

سفر به شمال آمریکا برای آموزش فا

مارس ۲۰۰۲

لی هنگجی

سلام به همه! (تشویق)

زمانی طولانی است که شما را ندیده‌ام. مایلم درباره‌ی چند موضوع با شما صحبت کنم. وقتی تمام کردم، اگر سؤالی دارید می‌توانید بپرسید، و از این فرصت برای پاسخگویی به شما استفاده می‌کنم.

اساساً درباره‌ی سه موضوع صحبت خواهم کرد. مورد اول این است که همه باید مطالعه‌ی فا را در تقدم قرار دهند. این را اغلب به شما گفته‌ام. ولی آنچه که امروز درباره‌ی آن صحبت می‌کنم متفاوت است. دلایل بیشتری را درباره‌ی آن به شما می‌گویم. بسیار مهم است که هر مرید دافا، فا را خوب مطالعه کند. برای آنکه شما از هر روش تزکیه در گذشته و هر تزکیه کننده در گذشته متفاوت هستید، زیرا مأموریت شما عظیم است. فای عالم در اینجا آموزش داده می‌شود - چه کسی برای شنیدن فا می‌آید؟ و آن موجوداتی که به فا گوش می‌کنند چه خواهند کرد؟ تمام این چیزها اهمیت و معنی بیشتری دارند. گفته‌ام که مریدان دافا با عظمت هستند. در حقیقت امر، مسئولیت‌هایی که شما بر عهده دارید بسیار مهم هستند. شما فقط می‌دانید که بعضی از شاگردان در گذشته با من پیمان بسته‌اند. در حالی که حقیقت این است که بسیاری از شاگردان وجود دارند که از دیگر افلاک عظیم‌الجثه که فوق‌العاده دور و بسیار پهناور هستند آمده‌اند که رابطه‌ی کارمایی^۱ بنا نهند. و همچنین بعضی افراد هستند که وقتی دافا در این دوره رواج می‌یافت وارد شده‌اند. بنابراین مریدان دافای ما اساساً به سه رده تعلق دارند.

در این باره فکر کنید، چرا موجوداتی از قسمت‌های بسیار دور عالم به اینجا آمدند؟ زیرا اصلاح-فا در حال رخ دادن بود، و آنها نمایندگان گروه‌های فوق‌العاده بزرگ و برجسته از افلاک عظیم‌الجثه و بدن‌های کیهانی دوری هستند، آنها به اینجا برای پایه‌ریزی رابطه‌ی کارمایی با استاد آمدند برای اطمینان به اینکه در اصلاح-فا در طی بازسازی تمامی عالم جاگذاشته نشوند، هدف‌شان این بود که بگذارند موجودات ذی‌شعور آنجا نجات یابند. گروه‌های بی‌شمار عظیم موجودات در آنجا هستند. آن افرادی که قادر بودند با من پیمان امضاء کنند نیز پیشینه‌ی ساده‌ای نداشتند- آنها نیز از عالمی عظیم آمدند. اگر سطح آنها واقعاً بالا بود درباره‌اش فکر کنید، آیا آنها نیز عالمی عظیم را نمایندگی نمی‌کنند؟ همچنین تعدادی از شاگردان نیز هستند که در دوره‌ای که فا در این زمان در حال انتشار بود وارد شدند و بیشتر آنها نیز از سطوح واقعاً بالایی آمده‌اند.

آنچه که هم‌اکنون گفتم درباره‌ی کسی است که برای شنیدن فا آمده است. اگر افرادی مانند این آمده‌اند که فا را گوش کنند، پس درباره‌ی آن فکر کنید، آیا هر مرید دافا بدن کیهانی متفاوتی را نمایندگی نمی‌کند؟ اگر این‌طور است، آیا اینکه مرید دافا خوب یا بد تزکیه کند تعیین نمی‌کند که آیا آن موجودات بدن‌های کیهانی عظیم نجات پیدا می‌کنند یا نه؟ می‌توانم به شما بگویم قطعاً همین‌طور است.

علت این است که آن بدن عظیم کیهانی که زیر شما است، تقریباً همانند بدن شما است، زیرا شما تا این اندازه عظیم هستید. موجودات ذی‌شعور بی‌شمار و افلاک کیهانی غیرقابل شمارشی در درون آن وجود دارند. تزکیه‌ی شما تعیین می‌کند که آیا آن گروه عظیم موجودات، خوب یا بد هستند، و آیا آنها می‌توانند نگره‌داشته شوند یا نه! در سطح میکروسکوپی نگاه کنیم، بدن شما که در دنیای بشری متجلی می‌شود نیز در واقع یک سیستم عظیم است. همان‌طور که تزکیه می‌کنید ابتدا این بخش از بدن شما شفا می‌یابد و سالم می‌ماند، و سپس به تدریج به ماده‌ی با انرژی بالا

تبدیل می‌شود. تغییرات در ظاهر ممکن است زیاد نباشد. در طول اصلاح- فاه، کیهان از بخش میکروسکوپی تا به سمت سطح، موانع را بر طرف می‌کند، و مریدان دافا نیز در مدت تزکیه‌شان، از بخش میکروسکوپی تا به سطح در حال تغییر کردن هستند. همان‌طور که تزکیه می‌کنید، بدن‌های شما در میکروسکوپی‌ترین بخش به سرعت موانع در سطوح را بر طرف می‌کند. و در تزکیه‌شان بدن تعداد بسیار زیادی از شاگردان در سطح چیز زیادی را باقی ندارد. هر چه سطح‌تان بالاتر، مسئولیت‌تان بیشتر است. هرچه سطح‌تان بالاتر، بدن‌های کیهانی عظیم‌تر و موجودات ذی‌شعور بیشتری را نمایندگی می‌کنید و شما برای آن قلمرو مسئول خواهید بود. به بیانی دیگر، همان‌طور که به تزکیه ادامه می‌دهید، بدن بشری‌تان به بهتر شدن ادامه می‌دهد و بهتر و بهتر می‌شود، و هم‌زمان به بدن یک خدا تبدیل می‌شود. اگر شما خوب تزکیه نکنید، همان‌طور که می‌بینید تغییرات در بخش ظاهری بدن‌تان کم است. به بیانی دیگر بدن عظیم کیهانی که شما نمایندگی می‌کنید مثل بدن شماست - با بدن شما مطابقت دارد. پس شاید به دلیل این که شما خوب تزکیه نکرده‌اید موجودات بسیاری نجات پیدا نکرده باشند - برای آنکه خوب تزکیه نکرده‌اید است که آنها نمی‌توانند خوب شوند. دل نكندن شما از وابستگی‌هایتان با آنها مداخله می‌کند، در عوض آنها نیز با شما مداخله می‌کنند.

اغلب گفته‌ام که لازم است فاه را خوب مطالعه کنید. هر زمان در کنفرانس‌های فاه یا در نشست‌های دیگر با شاگردان دیدار کرده‌ام، همیشه گفته‌ام که شما باید مطالعه‌ی فاه را در درجه اول قرار دهید، و هرچقدر هم که مشغول باشید باید فاه را مطالعه کنید. در آن زمان نمی‌توانستم به شما درباره‌ی چیزهایی در این سطح عمیق و بنیادی بگویم، و نمی‌توانستم از این پرده بردارم. اما بعد از این محنت و رنج، اکنون شما قادرید فاه را عمیق‌تر درک کنید و در تزکیه‌تان و در ارزش‌گذاری به فاه بالغ‌تر شده‌اید. امروز می‌توانم این را به شما بگویم: تزکیه‌ی شما قطعاً یک موضوع ساده‌ی شخصی درخصوص رسیدن به کمال نیست - تزکیه‌ی شما نجات موجودات ذی‌شعور بی‌شمار در بدن کیهانی است که با شما انطباق دارد و چشم امید بی‌نهایت به شما بسته‌اند. تزکیه‌ی شما تماماً نجات موجودات ذی‌شعور در تک‌تک افلاک عظیم‌الجثه‌ی هستی است.

چرا می‌گویم که مریدان دافا از تزکیه‌کنندگان گذشته متفاوت هستند؟ می‌گویم که مریدان دافا با شکوه و با عظمت هستند، ولی فقط اگر شما خوب تزکیه کرده باشید کمال شما واقعاً با شکوه و با عظمت است. کمال یک مرید دافا فقط درباره‌ی خارج شدن یک فرد عادی از سه قلمرو نیست. درباره‌اش فکر کنید، اگر شما خوب تزکیه کنید تعداد کمی از موجودات در کیهان عظیم بد می‌شوند و تعداد کمی از آنها از بین می‌روند. وقتی شما برمی‌گردید، آنها شما را به عنوان سروران‌شان، پادشاهان‌شان در نظر می‌گیرند و احترام بی‌کرانی به شما می‌گذارند، برای آنکه شما آنها را نجات دادید، برای آنها قربانی شدید، و شما به آنها هر آنچه را که دارند دادید. ولی اگر شما خوب تزکیه نکنید، بسیاری مخلوقات از بین می‌روند چون ما نمی‌توانیم مخلوقاتی را که دیگر بیشتر از این قابل نجات دادن نیستند از بین ببریم. چرا این طور است؟ در طی این شکنجه و آزار، مخلوقات در بُدهای مختلف همگی نقشی را ایفا می‌کنند، اعم از اینکه موجودات خوبی هستند یا بد. موجودات بد مداخله و مزاحمت در اصلاح- فاه ایجاد می‌کنند، شاگردان ما را شکنجه و آزار می‌رسانند و هم‌زمان با شما مداخله می‌کنند. بنابراین شما باید آنها را با جدیت تمام از بین ببرید. اگر خوب تزکیه نکنید، بسیاری از مخلوقات از بین برده می‌شوند، و زمانی که شما به کمال می‌رسید، وقتی به مکان‌تان برمی‌گردید خواهید دید که تعداد فوق‌العاده زیادی از موجوداتی که زمانی امید بی‌نهایت به شما داشتند از بین برده شده‌اند. آن وقت در این آسمان عظیم‌الجثه عالم، احتمال زیادی وجود دارد که بدن‌های کیهانی‌ای که شما نمایندگی می‌کنید در وضعیت ناکامل و شکسته‌ای باشند، و موجودات ذی‌شعور بی‌شماری از بین برده شده باشند.

شما می‌دانید، بسیاری از شاگردان در مدت این شکنجه و آزار مسائل را به درستی درک نکرده‌اند و آن را یک شکنجه و آزار عادی بشری علیه انسان‌ها تلقی کرده‌اند. در واقع این شکنجه و آزار تماماً یک امتحان پلیدی سابقه است که توسط نیروهای کهن ترتیب داده شده بود. و آنها نمی‌گذارند موجودات پلیدی را که به کار گرفته‌اند از حقیقت امر باخبر باشند - آنها واقعاً در حال صدمه زدن هستند. هرچند هیچ‌کدام از این برنامه‌ریزی‌ها را تصدیق نمی‌کنم، عاقبت، آنها

این کار را انجام داده‌اند. من هیچ‌یک از اموری را که آنها در تاریخ ترتیب داده‌اند نمی‌پذیرم، و در زمان اصلاح-فا کاملاً با آنها مقابله می‌کنم. بنابراین در میان این شکنجه و آزار موجودات ذی‌شعور، لازم است ما حقیقت را برای مردم آشکار کنیم و هم‌زمان خوب تزکیه کنیم و اهریمن را با افکار درست و صالح از بین ببریم. هرچند ما هیچ چیزشان را تصدیق نمی‌کنیم، تهمت‌های بدخواهانه‌ی آنها در طی این شکنجه و آزار اذهان موجودات ذی‌شعور بی‌شماری را مسموم کرده است.

اگر اکثریت افراد امروز این دنیا واقعاً از سطوح بالا برای کسب این فا آمده‌اند، درباره‌اش فکر کنید- پس آنها فقط تعدادی مخلوق ساده نیستند - حتی یک تاتاگاتا، گروه عظیمی از مخلوقات را نمایندگی می‌کند. اما آنها به تاتاگاتاها محدود نمی‌شوند- آنهايي که به دنیای بشری آمده‌اند همگی توانایی‌های عظیمی دارند. بسیاری از پادشاهان بدن‌های کیهانی و خدایان به اینجا آمده‌اند، و آنها بدن‌های کیهانی عظیمی را نمایندگی می‌کنند. ولی بعد از آمدن به این جامعه‌ی عادی بشری، آلوده شدند و حتی در این شکنجه و آزار دافا شرکت کرده‌اند. پس اگر کسی مثل این، از بین برده شود، درباره‌اش فکر کنید، نه تنها او از بین می‌رود - آنچه از بین می‌رود نیز بدن کیهانی عظیم است.

گفته‌ام که مریدان دافا فوق‌العاده‌اند. در میان یک چنین شکنجه و آزار سختی، هنوز هم برای مردم حقیقت را روشن می‌کنید و موجودات ذی‌شعور را نجات می‌دهید. مخلوقاتی که شما نجات می‌دهید، درباره‌اش فکر کنید، آیا آنها فقط انسان‌های عادی هستند؟ اگر آنها واقعاً با بدن‌های کیهانی عظیمی مطابق باشند، پس زمانی که شما حقیقت را برای یکی از آنها آشکار می‌کنید شما در حال نجات دادن یک بدن عظیم کیهانی، یک گروه عظیمی از مخلوقات هستید، و شما در حال نجات یک خدا، یا یک پادشاه هستید. می‌گویم، آیا مریدان دافا باشکوه نیستند؟ تمامی آنچه که مریدان دافا با آن مواجه می‌شوند واقعاً مهم است. در گذشته مردم درباره‌ی نجات موجودات ذی‌شعور صحبت کردند، آنهايي که نجات داده می‌شدند فقط انسان‌های ناچیز، انسان‌های عادی بودند. آنها آن قدر بالرش نبودند که توسط مریدان دافا نجات یابند- احتیاج نبود که آن توسط مریدان دافای من انجام شود. اموری که شما انجام می‌دهید همگی مهم هستند. در طی آزار و شکنجه‌ی امروز، اگر یک فرد عادی و معمولی بتواند به فرد دیگری بگوید، "فالون‌گونگ را آزار و شکنجه نکن، فالون‌گونگ خوب است" و در نتیجه، آن فرد مریدان دافا را شکنجه نکند، و او در آینده حتی شانس باقی ماندن و کسب فا را دارد، و اگر او از یک سطح بالا آمده باشد که فا را کسب کند، آنگاه تزکیه‌ی او سریع خواهد بود. پس درباره‌اش فکر کنید، کمال او کمال گروه عظیمی از مخلوقات، و کمال یک خدا یا یک پادشاه خواهد بود. اما کمال او توسط یک فرد عادی امکان‌پذیر شد. آن فرد عادی، یک فرد عادی معمولی نیز خدایی بزرگ خواهد شد. پس بنابراین حتی بیشتر درباره‌ی مریدان دافا چه‌طور، که چنین کار فوق‌العاده‌ای را انجام می‌دهند؟- آنها فقط یک نفر یا چند نفر را نجات نمی‌دهند، و مداوماً در آشکارسازی حقیقت برای مردم دنیا پیش‌قدم می‌شوند، پیوسته این کارها را انجام می‌دهند، و حتی مخلوقات بیشتری را نجات می‌دهند- آیا این باشکوه و باعظمت نیست؟

قبلاً گفته‌ام که برای مریدان دافا رسیدن به کمال از طریق تزکیه‌ی شخصی عمل چندان مهمی نیست. فقط این است که مرید دافا در روند تزکیه برای خود اساسی را پایه‌گذاری می‌کند که او را برای امور بزرگتر آماده می‌کند. اگر کسی کمال فردی را مهمترین چیز تلقی کند می‌گویم که او شایستگی اینکه مرید دافا در دوره‌ی اصلاح-فا باشد را ندارد. بنابراین چه کسی می‌تواند مرید دافا در دوره‌ی اصلاح-فا نامیده شود؟ می‌دانم که در واقع هفت میلیارد نفر در دنیا وجود دارند. شاگردان دافای ما همه با هم فقط به تازگی صد میلیون می‌شوند. این چه نسبتی است؟ آیا افراد دیگر نمی‌توانند فا را کسب کنند؟ در دوره‌ی بعدی افرادی خواهند بود که تزکیه می‌کنند، و هنوز هم افرادی خواهند بود که به کمال می‌رسند، ولی این چیزی بیشتر از تزکیه‌ی شخصی نخواهد بود. علت این است که، آنهايي که در مدت دوره‌ی اول فا را کسب می‌کنند "مریدان دافا در دوره‌ی اصلاح-فا" نامیده می‌شوند. شما هم‌زمان با دوره‌ی اصلاح-فا زندگی می‌کنید و دافا برای شما مسئولیت‌ها و مأموریت‌های بزرگی را به امانت گذاشته است، در حالی که افرادی که بعداً فا را کسب می‌کنند فقط تزکیه‌ی شخصی را انجام خواهند داد. آنها این افتخار و جلال را نخواهند داشت، و آنها

به اندازه‌ی کافی خوشبخت نیستند که بخشی از این چیز باشکوه و با عظمت باشند. بنابراین آیا اینکه ما موجودات ذی‌شعور را نجات می‌دهیم حقیقتاً چیزی فوق‌العاده، چیزی حقیقتاً قابل ملاحظه و برجسته نیست؟ در واقع خیلی هم فوری است.

قبلاً گفته‌ام که اگر ما خوب تزکیه نکنیم، برای مریدان دافا زمانی که بعداً به کمال می‌رسند فقط یک تأسف دردناک نخواهد بود. آنهایی که خوب تزکیه کرده‌اند وقتی برگردند واقعاً کمالی باشکوه خواهند داشت - تمام موجودات ذی‌شعوری که امید لایتناهی به آنها داشتند توسط آنها نجات خواهند یافت. ولی وقتی بعضی از آنهایی که خوب تزکیه نمی‌کنند برگردند، دنیاهايشان را در وضعیتی ناکامل و از هم پاشیده خواهند یافت. اما در مورد آنهایی که در مدت این شکنجه و آزار به سمت مخالف رفته‌اند یا حتی اعمال بسیار بدی انجام داده‌اند، بگذارید به شما بگویم استاد هنوز نمی‌خواهد آنها را ترک کند. (نشویق) هیچ چیز آنها از لحاظ سطح و ظاهر، دیگر نمی‌تواند برگردانده شود. زیرا آنها خوب تزکیه نکرده‌اند و به خوبی عمل نکرده‌اند. آن مخلوقات بی‌شمار و عظیم غیرقابل نجات هستند. از آنجا که من برنامه‌ریزی‌های نیروهای کهن را قبول نمی‌کنم و این شکنجه و آزار را نمی‌پذیرم، و از آنجا که نیروهای کهن، سطح و ظاهر سرشت اصلی مریدان دافا را جدا کرده‌اند، بسیاری از چیزها وجود دارند که مریدان دافا نمی‌توانند کاری در موردشان انجام دهند، و ظاهر آنها زیر نفوذ اهریمن قرار گرفته و آنها به انجام بعضی کارهای بد کشانده شده‌اند - که این به خاطر وابستگی‌هایی که دارند است که توسط موجودات اهریمنی مورد استفاده قرار گرفته می‌شوند - بنابراین من سرشت اصلی مریدان دافا را جدا خواهم کرد. در ضمن، هم نیروهای کهن را که تربیتی دادند که ظاهر مریدان دافا زیر نفوذ اهریمن قرار گرفته شود که کارهای بد انجام دهند، و هم آن موجودات اهریمنی که توسط نیروهای کهن مورد استفاده قرار گرفته‌اند که مستقیماً دافا را شکنجه و آزار رسانند، مقام‌های کمال‌شان و تمامی توانایی‌هایشان برکنده خواهد شد. آنها به بخش‌هایی از بدن‌های بشری آن مریدان دافا، که از کارما و عقاید اکتسابی بعد از دنیا آمدن ساخته شده‌اند، و آن قسمتی از بدن انسان که در روند سوخت و ساز از بین برده می‌شود، - یعنی آن بخشی که توسط آنها مورد سوء استفاده قرار گرفته بود - چپانده می‌شوند و بعد از آنکه در آنها فشرده می‌شوند، با هم به جهنم می‌روند. زیرا اعمال بد واقعاً توسط نیروهای کهن با بکارگیری موجودات اهریمنی و زیر نفوذ قرار دادن کارما و عقاید افراد انجام می‌شود. آنها باعث شدند که این شاگردان من همان‌طور که آمدند برگردند بدون آنکه هیچ چیزی را برگردانند. در ضمن وقتی که برگردند، بدن عالم عظیمی را که نمایندگی آن را به عهده دارند خالی خواهد بود و دیگر تمامی مخلوقاتی را که قبلاً آنجا بودند نخواهند داشت. از آنجا که آنها خوب تزکیه نکردند همه چیز بد خواهد بود و از بین برده خواهد شد و تنها می‌تواند دوباره بازآفریده شود. این دلیل آن است که چرا به شما می‌گویم که در تزکیه شخصی‌تان بسیار مهم است که با پشتکاری خواندن فا را ادامه دهید. اگر فا را خوب مطالعه نکنید، وقتی که کارهای دافا را انجام می‌دهید، بدرستی یا به خوب انجام دادن بسیاری از کارها برای شما سخت خواهد بود. اما اگر مطالعه‌ی فا را به خوبی انجام دهید، درمی‌یابید که بسیاری از کارها آسان‌تر انجام می‌شوند، و هم‌زمان، احتمالاً مشکلات کمتری وجود خواهد داشت. این دلیل آن است که چرا گفته‌ام که هرچقدر هم که مشغول باشید، باید فا را مطالعه کنید.

آنچه الان صحبت کردم درباره‌ی اولین موضوع بود. موضوع دوم این است که ما لازم داریم آشکارسازی حقیقت را مورد تقدم قرار دهیم. لازم است بدانید که آشکارسازی حقیقت برای مریدان دافا بسیار مهم است. شما فقط در حال تزکیه‌ی شخصی نیستید - تزکیه‌ی خود شما نجات موجودات در بدن‌های کیهانی عظیمی است که شما آن را نمایندگی می‌کنید. زمانی که آشکارسازی حقیقت می‌کنید در حال نجات بدن‌های کیهانی اضافی حتی بزرگتر و حتی بیشتر و موجودات در آن بدن‌های کیهانی هستید، زیرا این مسئولیتی است که دافا و تاریخ به شما به امانت گذاشته است. پیش‌تر گفتم که بسیاری از مخلوقات در این دنیا با پیشینه‌ای فوق‌العاده آمده‌اند - اگر آنها پادشاهان، سروران، و خدایان بدن‌های کیهانی عظیم هستند - پس آنچه که آنها نمایندگی می‌کنند بدن‌های کیهانی عظیم و گروه مخلوقات بی‌شماری است. وقتی شما چنین شخصی را نجات می‌دهید، درباره‌اش فکر کنید، آیا شما یک خدا را نجات نمی‌دهید؟

او شاید یک خدای بسیار سطح بالاست، و حتی در انطباق با بدن‌های کیهانی بزرگتر و موجودات ذی‌شعور بی‌شمار می‌باشد. پس از چه نوع تقوای عظیم و قدرتمندی صحبت می‌کنیم؟ آیا این چیزی ساده است؟ تنها مریدان دافا می‌توانند چنین مأموریت‌های بزرگی را به امانت داشته باشند.

بنابراین برای شما کمال شخصی جزئی است. شما زمان‌های متعددی در تاریخ تزکیه کرده‌اید، و در دوره‌های زمانی بسیاری، سفرهایی مثل این را طی کرده‌اید. آزمون فعلی شما برای رسیدن به حد مطلوب کمال شخصی اصلاً کار مهمی نیست. آن معیاری است برای اندازه‌گیری اینکه چه مقدار از دافا را درک کرده‌اید. روند تزکیه‌ی شخصی و کمال شما در واقع بنا نهادن پایه‌ای برای محافظت کردن فا و اعتبار بخشیدن شما به فا در آینده بود. زیرا شما باید شایستگی‌های مشخصی داشته باشید، و باید درک و برداشت عمیقی از فا داشته باشید، هم‌زمان، در روند تزکیه‌ی خودتان، باید کاملاً به استانداردی که قادر به رسیدن به آن هستید برسید. فقط آن وقت است که واقعاً می‌توانید به فا اعتبار بخشید و آنچه را که یک مرید دافا در این لحظات بحرانی و وخیم باید انجام دهد، انجام دهید. بنابراین مسئولیت‌های مریدان دافا فقط به خاطر کمال شخصی نیست، بلکه نجات دادن موجودات ذی‌شعور در حالی که به فا اعتبار می‌بخشید است - آن مأموریت تاریخی مرید دافا است، و این دلیل آن است که چرا مریدان دافا به راستی عالی و باشکوه هستند.

مایلم به شما بگویم، که مردم این دنیا ... روح نخستین شخص در داخل جلد آن انسان، پیش‌تر، زمانی که در ابتدا خدایان انسان را خلق کردند، به تدریج در این دوره‌های اخیر در بُدهای دیگر جا گذاشته شده‌اند و آنها مجاز نبودند که بازپیدایی دوباره یابند. جلد اکثریت انسان‌ها در حال حاضر توسط مخلوقات سطح بالا اشغال شده است. به بیانی دیگر، آنها می‌خواستند بیایند و فا را کسب کنند، و آنها لازم داشتند که از جلد انسان استفاده کنند، مریدان دافا هم در میان آنها هستند. این دلیل آن است که چرا آشکارسازی حقیقت برای شما بسیار مهم است.

البته بسیاری از شاگردان بی‌صدا در حال انجام مقدار زیادی کار آشکارسازی حقیقت بوده‌اند. دادن فلاپر، تلفن زدن، به کار بردن اینترنت، رفتن به کنسول‌گری‌ها، و به کار بردن انواع شکل‌های مختلف رسانه‌ها برای گفتن به مردم درباره‌ی حقیقت در مورد دافا و برملا کردن شکنجه‌ی پلیدانه. شاگردان در داخل چین حتی بیشتر فوق‌العاده‌اند. زیر فشار سنگین از طرف اهریمن در حال اعتباربخشی به فا و نجات موجودات ذی‌شعور هستند. تمامی اینها فوق‌العاده است، باشکوه است. مهم‌تر اینکه شما این را با خلاقیت فردی‌تان انجام داده‌اید. خواه هوای سوزناک سرد زمستان باشد، گرمای شدید تابستان، یا وقتی که همه چیز با برف و یخ پوشیده باشد، یا در بارش باران، و هر طور هم که رفتار مردم باشد یا هر چقدر هم که مشکل باشد، تسلیم نشده‌اید. استاد درباره‌ی همه‌ی اینها می‌داند. آن را می‌بیند و خوشحال است. می‌دانم که خود شما انتخاب می‌کنید که چه کاری را باید انجام دهید. این چیزی است که کل پیکر مریدان دافا در حال انجام آن هستند. البته افراد کمی هستند که کوشا نیستند، افراد کمی هستند که درک‌شان کافی نیست. ولی آنها نمی‌توانند اکثریت گروه را نمایندگی کنند. مجموعه‌ی بدن واقعاً خوب عمل می‌کند. و علاوه بر این آنهایی که قدم پیش گذاشته بودند به تدریج قدم به جلو می‌گذارند. بارها تمامی آنچه را که شما انجام می‌دهید تصدیق کرده‌ام. به بیانی دیگر مریدان دافا امور را بیشتر اوقات بر طبق ملزومات اصلاح- فا انجام می‌دهند. هیچ اشکالی بر آن نیست و بی‌نهایت خوب است.

هم‌اکنون دو مورد را بحث کردم. سومین مورد فرستادن افکار درست شما است. اینها سه موردی است که مریدان دافا لازم است در حال حاضر انجام دهند. فرستادن افکار درست نیز یکی دیگر از چیزهای واقعاً عالی و باشکوه برای مریدان دافای ما است. این شکنجه و آزار سخت و شدید بر دافا، بر شاگردان دافا و بر مردم دنیا که از زمان ۲۰ جولای ۱۹۹۹ اتفاق افتاده است، بی‌سابقه است. در تاریخ، شکنجه و آزار مسیحیت، بودیسم، و دیگر مذاهب به این اندازه شرورانه و پلید نبودند. قبلاً یک چنین دستگاه‌های رسانه‌ای وجود نداشت. وسایل نقلیه هم پیشرفته نبود، و

شکنجه و آزار به بخش کوچکی محدود می‌شد. امروز منطقه‌ی چین وسیع است، و تعداد موجودات ذی‌شعوری که قربانی شده‌اند بسیار زیاد است - تنها در چین بیشتر از یک میلیون نفر مستقیماً قربانی شده‌اند. ولی این شکنجه و آزار به چین محدود نمی‌شود. این شکنجه و آزار در واقع جهانی است - این بدگویی و افترا تمام اذهان مردم دنیا را مسموم کرده است. در ضمن، دروغ و تبلیغاتی که تمامی زمین را پوشانده است فشار عظیمی را بر مریدان دافا آورده است. و مهم‌تر، چنین دروغ‌ها و افترای اذهان تمامی مردم دنیا را مسموم کرده است. این فای عالم است و فا است که تمامی حیات را آفریده است. اگر هر موجودی از افکار بد درباره‌ی دافا پر باشد - درباره‌اش فکر کنید، اصلاح - فا اکنون در حال رخ دادن است و رفتار مخلوقات در برابر اصلاح - فا تعیین می‌کند که آیا او باقی می‌ماند یا از بین می‌رود - آیا زمانی که فا دنیای بشری را اصلاح می‌کند، آن موجود هنوز هم نگه داشته می‌شود؟ او به محض اینکه اصلاح - فای دنیای بشری آغاز می‌شود جاروب می‌شود. بنابراین آیا این شکنجه و آزار تمامی دنیا، تمامی نژاد بشر نیست؟

مریدان دافا فوق‌العاده‌اند. زمانی که آزار و شکنجه در ابتدا شروع شد، شما با چیزی شبیه این هرگز روبه‌رو نشده بودید، از لحاظ ذهنی آمادگی نداشتید، و واقعاً نمی‌دانستید چه بکنید. بعد به تدریج خودتان را جمع و جور کردید، و به تدریج برای اعتبار بخشی به فا قدم پیش گذاشتید. اکنون به‌طور خردمندانه‌تری اهریمن را بر ملا می‌کنید و موجودات ذی‌شعور را نجات می‌دهید. ما اساساً می‌گذاریم تمامی دولت‌ها و اکثریت مردم در تمامی دنیا بدانند که فالون دافای ما خوب است. همه‌ی آنها می‌دانند که ما به غلط شکنجه و آزار شده‌ایم، همه‌ی آنها ماهیت زشت پست اهریمنی سردسته در چین، و چهره‌ی منحرف و نفرت‌انگیز آن حکومت ستمگرانه را می‌دانند و می‌توانند به روشنی، شرارت‌آمیز بودن دسته ارذل سیاسی را ببینند. آنچه ما پیش رو داشته‌ایم، ماشین عظیم افتراآمیز ملتی است که توسط رهبر بسیار پلید و پست سیاسی زیر نفوذ درآمده دست‌کاری شده است. از عهده‌ی آن برآمده‌ایم که بگذاریم مردم در تمامی دنیا درباره‌ی این شکنجه و آزار آگاه شوند، و آن افرادی را که اذهان‌شان توسط بدگویی و افترا و دروغ‌ها مسموم شده بود نجات دهیم. این فوق‌العاده است - واقعاً فوق‌العاده است. مریدان دافا در چین این کار را در برابر فشار شدید، حتی بهتر انجام می‌دهند. آنها مردم چین را بیدار کرده‌اند. و آنها مردم سراسر دنیا را که اکنون شرارت و پلیدی این شکنجه و آزار را می‌دانند، بیدار کرده‌اند. هیچ کسی با آنها همکاری نمی‌کند و همه در برابر آن مقاومت می‌کنند. پس آیا اهریمن می‌تواند آن را تحمل کند؟ در واقع عوامل اهریمنی که شکنجه و آزار را کنترل می‌کنند الان بسیار کم هستند و نیروهای کهن فکر می‌کنند که آنها به اندازه‌ی کافی چیزی برای امتحان کردن دافا ندارند. اهریمن نیز دیده است که کارش تمام است، که دافا هرگز از بین نمی‌رود.

آیا به خاطر می‌آورید قبلاً زمانی که شروع به فرستادن افکار درست می‌کردید؟ آن موجودات پلید و شرور که مریدان دافا را شکنجه و آزار می‌دادند بلافاصله مسلط می‌شدند، یک دست صف می‌کشیدند و به طبل‌هایشان می‌کوبیدند. با فرستادن افکار درست برای مدت زمانی، شما مقدار قابل ملاحظه‌ای از عوامل پلید را پاک کردید. حالا وقتی افکار درست می‌فرستید، گونگ شما همه جا را برای چیزهای پلید جستجو می‌کند. به محض اینکه مریدان دافا انگشتان دست‌شان را به طرف بالا مستقیم نگه می‌دارند، آنها فرار می‌کنند. مریدان دافا قادر هستند با حقانیت، مستقیم به چشمان افراد پلید نگاه کنند، و افراد پلید فوراً تلاش می‌کنند از تماس چشمی پرهیز کنند. به خاطر این است که افکار درست، موجودات پلیدی را که افراد پلید را زیر نفوذ خود درمی‌آورند می‌هراساند، چراکه آنها می‌دانند که اگر کمی دیر بجنبند فوری توسط افکار درست مریدان دافا نابود می‌شوند. این علت آن است که چرا الان اهریمن پیوسته حواس خود را در محدوده‌ی جایی که فرد شرور و پلید در چین است متمرکز کرده است. عوامل پلیدی که اذهان مردم را در قسمت‌های دیگر دنیا کنترل می‌کنند، در مراحل پایانی نابود شدن هستند.

به یاد می‌آورم زمانی که این تازه در ۲۰ جولای ۱۹۹۹ شروع شده بود، در بسیاری از بخش‌های دنیا هیچ‌کس نمی‌دانست که دافا درباره‌ی چیست - "چنین سرکوب در وسعتی بزرگ در چین به ناگهان در حال رخ دادن است،

موضوع از چه قرار است؟" رسانه‌های خارجی در سراسر دنیا تبلیغات تهمت‌آمیز چین را تکرار کردند. در آن زمان فشار عظیم بود. البته این فقط شکل سطحی و بیرونی فشار بود. یک فشار بنیادی هم وجود داشت. ولی حتی این فشار بیرونی هرگز قبلاً در تاریخ دیده نشده بود. شما در برابر این نوع فشار مقاومت کردید و همه چیز را تا چنین وسعتی پاک کردید. این حقیقتاً فوق‌العاده است.

در آن زمان وقتی که عوامل پلید و اهریمنی از بالا به پایین برای نابودی گزیده شدند، از بالا به پایین فشار آورده شدند، آنها بسیار عظیم بودند، تمامی سه قلمرو و بُعدهای ساخته شده از لایه‌های ذرات را پر کردند. اهریمن سراسر عالم به پایین فشار می‌آورد. شما آن عکس زمین را دیده‌اید که در آن زمان توسط رسانه‌ها به چاپ رسید شبیه صورت شیطان بود. ولی آن فقط ظهور آن در بُعد لایه‌ی سطحی زمین بود. اگر به خاطر اصلاح- فا نبود، یک موجود هم در سه قلمرو باقی نمی‌ماند، زیرا آن چیز به حد کافی قدرتمند بود که بدن کیهانی قابل ملاحظه بزرگی را نابود کند. زمانی که نیروی اصلاح- فا تمامی چیزهایی را که به پایین فشار آورده شده بودند نابود کرد، عواملی که از افکار مردم جلوگیری کرده به طور کلی از بین برده شدند و بعد از آن وضعیت بسیار تغییر کرد. قبلاً وقتی که تلاش می‌کردید حقیقت را آشکار کنید، بسیاری از مردم اصلاً گوش نمی‌کردند و رفتارشان غیرمنصفانه بود. و بعد از آنکه آن چیزها نابود شده بودند، وقتی شما سعی می‌کردید حقیقت را آشکار کنید، مردم مایل بودند آن را بپذیرند و قادر بودند به شما گوش کنند. ولی آنها هنوز هم به اندازه‌ی کافی منطقی نبودند، زیرا آن موجودات پلید که راهشان را به سه قلمرو باز کرده بودند، هنوز مردم را زیر نفوذ خود داشتند. آنها مردمی را که افکار بد درباره‌ی دافا داشتند هنوز زیر نفوذ خود قرار می‌دادند. به خاطر تبلیغات افتراآمیز، افراد بسیاری مثل این وجود داشتند، و این دلیل آن است که چرا فشار و سختی هنوز بر ما نسبتاً زیاد بود. همچنین بسیاری از موجودات اهریمنی واقعاً فرومایه بودند. تحت آن چنان وضعیت‌هایی بود که من به شما گفتم افکار درست به بیرون بفرستید. بعد از آنکه در طی دوره‌ی فرستادن افکار درست، آن عوامل پلیدی که انسان‌ها را زیر نفوذ خود درآورده بودند نابود شدند، فقط پس از آن مردم دنیا به طور اساسی روشن شدند.

در تمامی مدت کل روند اصلاح- فا، گونگ من از بخش میکروسکوپی تا به سمت سطح در حال حرکت کردن بوده است. سرعت آن در واقع بسیار سریع است. من درباره‌ی سرعت اصلاح- فا چند لحظه‌ی دیگر صحبت خواهم کرد. قبل از آنکه نیروی اصلاح- فا به ظاهر سطح انسان‌ها برسد، یا به معنی دیگر، همان‌طور که اصلاح- فا به سمت این ظاهر به پیشرفت ادامه می‌دهد، در طی این شکاف زمانی کوچک، قبل از آنکه [لایه‌ی] سطحی از میان اصلاح- فا گذر کند، نیروهای کهن پلید هر آنچه را که دارند ظاهر می‌کنند و شرورانه‌ترین و سطح پایین‌ترین موجودات از شکل افتاده و درهم و برهم نفرت‌انگیز را برای شکنجه و آزار دافا به کار می‌گیرند. مریدان دافا در مقایسه، در طی این مدت، قبل از آنکه اصلاح- فا فرا رسد به فا اعتبار می‌بخشند و موجودات ذی‌شعور را نجات می‌دهند. همه چیز در این دوره‌ی زمانی به نمایش گذاشته می‌شود.

نیروی اصلاح- فا، به گذر باشتاب خود از میان بُعدهای باقی‌مانده ادامه می‌دهد تا زمانی که اصلاح- فا کاملاً به پایان برسد. ولی تا زمانی که نیروی اصلاح- فا به بُعدهای سطحی برسد، فای کهن، فای پوسیده‌ی عالم هستی هنوز در بُعدهای سطحی وجود خواهد داشت. بنابراین این فای کهن، تا زمانی که اصلاح- فا وارد شود، به حکومت کردن بر موجودات در بُعدهای کهن ادامه خواهد داد. اگر این فای کهن خیلی زود نابود می‌شد، یعنی آنکه فای کهن قبل از آنکه اصلاح- فا برسد نابود می‌شد، درباره‌اش فکر کنید، مشکلات جدی رخ می‌داد: از بالا تا پایین عالم هستی، بُعدهای افقی، بُعدهای عمودی، تمامی بُعدها، به بی‌نظمی کشیده می‌شدند، تمامی زمان‌ها در عالم از هستی باز می‌ایستاد، آن، وسیع‌ترین بُعد می‌شد، سریع‌ترین زمان می‌شد، تمامی موجودات در بُعدهای کهن با تندترین سرعت در کوتاه‌ترین زمان، پوسیده و فاسد می‌شدند، تمامی مواد به سرعت خراب می‌شدند، و تمامی آنچه که در سطح کیهان کهن باقی مانده و از میان اصلاح- فا عبور نکرده است تمام و بلافاصله متلاشی می‌شد. این یک ذره سطح

کیهان کهن که از میان اصلاح- فا عبور نکرده است نیز از بُعدهای بی‌شمار عظیم موجودات غیرقابل شمارش، و خدایان بی‌شماری ترکیب شده است، بنابراین قبل از آنکه از میان اصلاح- فا عبور کرده باشد هنوز نمی‌تواند نابود شود، در غیر این صورت موجودات ذی‌شعور آنجا قبل از آنکه اصلاح- فا وارد شود تجزیه می‌شدند و نجات نمی‌یافتند. استاد فقط در حال نجات شما و مردم دنیا نیست- من در حال نجات دادن آن موجودات سطح بالا نیز هستم. موجودات کهن قادر به دیدن اینکه عالم جدید چگونه است نیستند و آنها مجاز به دیدن آن هم نیستند. بنابراین آنها از اصول فای کهن پیروی کرده و هر چیزی از عالم کهن را حمایت و پشتیبانی می‌کنند. این دلیل آن است که چرا زمانی که من از آنها نگهداری و حفظ ملزومات کیهان جدید را خواهانم، آنها مایل به پذیرفتن نیستند- آنها نمی‌توانند آن را ببینند. بنابراین در طول اصلاح- فا، در واقع فای کهن نقش مداخله و مزاحمت با من و مریدان دافا را ایفا می‌کند. من توانایی از بین بردن آن را دارم. ولی همان‌طور که گفتم به خاطر نجات موجودات ذی‌شعور نمی‌توانم آن را نابود کنم. اگر نابود می‌شد این موجودات نمی‌توانستند نجات داده شوند، و تمامی موجودات ذی‌شعور در این بدن‌های عالم هستی به طور کامل کارشان تمام می‌شد. گذشته از این، بدن اصلی مریدان دافای ما هنوز اینجا است و نجات دادن، حتی مشکل‌تر می‌شد.

بنابراین چیزهای بسیاری هست که نمی‌توان ساده‌انگارانه به آنها نگاه کرد. اگر این فای کهن کنار نرود، اصلاح- فا را مشکل می‌کند. ولی اگر این فا کنار زده شود، به طور جدی بر نجات موجودات ذی‌شعور اثر خواهد کرد. زمانی که مریدان دافا افکار درست، افکار خالص و درست بیرون می‌فرستند، تا شکنجه و آزار پلید بر خود را پاک کنند، این مجاز است- اصول فای کهن چنین اصولی را هم شامل می‌شود. این درست مثل رویکرد به تزکیه با افکار درست است، یا مثل نجات موجودات ذی‌شعور با افکار درست است. این دلیل آن است که چرا می‌توانید آن را انجام دهید. اگر قرار بود استاد آن را برای شما انجام دهد اصول فای کهن و خدایان کهن آن را نمی‌پذیرفتند. من در حال حاضر بسیاری از کارها را برای شما انجام داده‌ام، بنابراین اگر آن را به حد افراط انجام می‌دادم، زیادی انجام می‌دادم، یا اگر کاملاً تمامی کارها را از شما می‌گرفتم و همه را انجام می‌دادم، اصول فای کهن و موجودات در کیهان کهن آن را می‌دیدند و قطعاً آن را نمی‌پذیرفتند. آنها فکر می‌کردند که من همه‌ی کارها را به جای شما انجام داده‌ام و مریدان دافا تزکیه خودشان را انجام ندهاند. بنابراین برمی‌خواستند تا سد راه آن شوند.

البته اگر امور را مسدود کنند می‌توانم آنها را از بین ببرم. ولی آیا این قابل قبول است؟ بسیاری از چیزها به این سادگی نیست. به‌عنوان مثال، نمونه‌ای برایتان ذکر می‌کنم. برخی از شاگردان در چین برخی از اوقات به درستی رفتار نکرده‌اند. زمانی که دستگیر و شکنجه می‌شدند، وقتی آن پلیس‌های پلید آنها را می‌زدند، به طور وحشتناکی آنها را می‌زدند. ولی در آن زمان افکار برخی از شاگردان به اندازه‌ی کافی درست نبود و بنابراین شکنجه و آزاری که تحمل کردند حتی سخت‌تر می‌شد. وقتی که اهریمن شرور آنها را می‌زد فراموش می‌کردند که آنها مریدان دافا هستند، و فکر نمی‌کردند، "من از استاد می‌خواهم کمک کند." یا وقتی بعضی از افراد از استاد کمک می‌خواستند وابستگی شدیدی از ترس داشتند. وقتی کتک می‌خوردند و در درد وحشتناکی بودند، بسیاری از آنها فریاد می‌زدند، "آی! مامان!" آنها این شکنجه و آزار را تماماً مثل شکنجه‌ی انسان‌های عادی علیه انسان‌های دیگر در نظر می‌گرفتند. پس اگر در آن زمان سعی می‌کردم آنها را محافظت کنم، آن نیروهای کهن آن را نمی‌پذیرفتند. زیرا آنها از اصول کیهان کهن محافظت می‌کنند؛ فکر می‌کنند که آن اصول، یگانه اصول عالم هستند، و آنها نمی‌توانند عالم جدید را ببینند. آنها می‌گفتند: "آیا این شاگرد تو است؟ آیا فکر می‌کنی او تو را به‌عنوان استاد خود در نظر می‌گیرد؟ آیا او خودش را به عنوان تزکیه‌کننده در نظر گرفته است؟ آیا او افکار درست دارد؟ آیا او فکر مرگ و زندگی را کنار گذاشته است؟ آیا او استوار و محکم و خدشه‌ناپذیر، مانند الماس بر جای مانده است؟" در آن لحظات استاد واقعاً نمی‌توانست به آنها در برابر انتقادشان جواب دهد. البته نمی‌توانید بگویید که او شاگرد من نیست فقط به خاطر رفتارش در یک مورد یا دو مورد یا در طی یک

دوره‌ی زندگی. آنها نیز این را می‌دانند، پس می‌گویند: "دلیلی که ما او را می‌زنیم این است که افکار درست او را برانگیزیم. ببین، او حتی تو را به عنوان استادش قبول ندارد. و خودش را هم به عنوان مرید دافا در نظر نمی‌گیرد."

این دلیل آن است که چرا بعضی اوقات برای استاد واقعاً جایی برای حرف زدن باقی نمی‌ماند. اما از آن جا که اصلاح-فا در عالم هستی در حال انجام است، ذره‌ای این شکنجه و آزار را قبول ندارم. من می‌توانم خدایانی را که موجودات شرور و پلید را زیر نفوذ خود قرار داده و مورد استفاده قرار می‌دهند کاملاً از بین ببرم و همچنین آن موجودات شرور و پلید را. مهم نیست چقدر سطح آنها بالا است، مهم نیست چه کسی مشت و ضربه را زده است، چه کسی از دیگران استفاده کرده است، یا چه کسی آن را ترتیب داد، می‌توانم با یک حرکت دست، آنها را گرفته و نابود کنم. هم‌چنان که این‌جا نشستیم، استاد یک فرد عادی است - فقط مرا به عنوان یک فرد عادی در نظر بگیرید. ولی بدن‌های استاد در تمام بُعدهای دیگر، هر کدام بلندتر از بعدی، آن قدر زیاد و وسیع هستند که ورای مقایسه می‌باشند؛ بدون توجه به این که عالم هستی چقدر بزرگ است، هنوز هم به بزرگی و بلندی من نیست. (تشیویق) ولی همگی درباره‌اش فکر کنید، اگر قرار بود آن موجودات را نابود کنم، اصول کهن و موجودات در بُعدهای عظیم سطحی عالم که هنوز اصلاح-فا در آنها صورت نگرفته است همگی آن را می‌دیدند و می‌گفتند: "داری چه کار می‌کنی؟" بنابراین دسته‌هایشان را قطار کرده و حمله می‌کردند و نیرویی را شکل می‌دادند که با من مخالفت کند. حتی باز هم هنوز قادر به از بین بردن آنها می‌بودم - مهم نیست که چه تعداد از آنها می‌آمدند، می‌توانستم آنها را از بین ببرم، از مقام‌های کمال‌شان بی‌بهره‌شان کنم و آنها را در جهنم بیندازم. ولی همگی درباره‌اش فکر کنید، من برای نجات تمامی مخلوقات آمدم. آیا آن خدایان هم مخلوقات نیستند؟ آنها حتی مخلوقاتی از سطوحی حتی بالاتر هستند، مخلوقاتی که حتی ارزش بیشتری دارند که نجات داده شوند. از جهت دیگر، این مرید دافا، مثل یک مرید دافا عمل نمی‌کند، با وجود این، به خاطر او خدایان بی‌شمار بسیاری را از بین ببرم - درباره‌اش فکر کنید، آیا این درست است؟ خیر، درست نیست. این دلیل آن است که چرا به شما می‌گویم برای استاد بسیار سخت است که از چیزهای معینی مراقبت کند. این طور نیست که استاد این توانایی را ندارد؛ برای این است که بگذارد تمامی موجودات ذی‌شعور نجات یابند. هنگامی که با خودتان به درستی روبه‌رو می‌شوید، استاد همه کاری می‌تواند برای شما انجام دهد. اگر افکار درست شما حقیقتاً قوی باشند، اگر قادر باشید فکر مرگ و زندگی را کنار بگذارید، و اگر مانند الماس محکم و خدشه‌ناپذیر باشید، آنگاه آن موجودات شرور و پلید جرأت دست زدن به شما را نخواهند داشت، زیرا می‌دانند که به جز آنکه شما را بکشند هر نوع شکنجه‌ای بی‌فایده خواهد بود. اهریمن هیچ چاره‌ی دیگری جز آنکه شما را رها کند نخواهد داشت. اگر در این قضیه اهریمن هنوز شما را شکنجه کند، آن وقت استاد هیچ مدارایی نشان نخواهد داد. استاد بدن‌های قانون بی‌شمار دارد و علاوه بر این، خدایان صالح بی‌شماری وجود دارند که مرا در انجام کارها کمک می‌کنند و آنها هم مستقیماً اهریمن را نابود خواهند کرد. آیا قبلاً به شما نگفتم که هر کدام از شما مریدان دافا هشت نوع از «محافظان قانون» آسمانی دارید که شما را محافظت می‌کنند؟ تماماً به دلیل اینکه شما به اندازه‌ی کافی خوب عمل نکرده‌اید است که این خدایان توسط اصول فای کهن عالم هستی جلوگیری شده‌اند و نمی‌توانند هیچ کاری انجام دهند، با وجود آنکه واقعاً می‌خواهند کمک کنند.

پس واقعاً رابطه‌ی بین من و نیروهای کهن چیست؟ بگذارید درباره‌ی آن صحبت کنم. حقیقت امر این است که این نیروهای کهن، صریح بگوییم، سعی در از بین بردن اصلاح-فا ندارند و جرأت از بین بردن آن را ندارند. هدف‌شان، اگر چه ناپاک و ناخالص است، باز هم موفقیت این اصلاح-فا است، فقط این طور است که می‌خواهند تمام این اصلاح-فا از الزامات آنها پیروی کند - می‌خواهند اصلاح-فا از الزامات آنها پیروی کند - که مطلقاً ممنوع است. به خاطر اینکه تمام مخلوقات در عالم هستی فاسد شده‌اند. و حتی عناصر اصلی‌ای که موجودیت آنها را می‌سازند دیگر خالص و پاک نیستند - حتی عناصر دیگر هم دیگر خالص و پاک نیستند. آنها خودشان هم این را تشخیص نمی‌دهند، هر کاری هم بکنند، قادر نخواهند بود خودشان را دوباره واقعاً خالص و پاک کنند. آنها حتی نمی‌توانند

الزامات و مقررات اصلاح- فا و عالم هستی نوین را برآورده کنند- چگونه می‌توانند فا را اصلاح کنند؟ اصلاح- فا چگونه می‌تواند از الزامات آنها پیروی کند؟ اگر بعد از اصلاح- فا، عالم جدید بر طبق استانداردها و مقررات مخلوقات عالم کهن آفریده می‌شود، پس آیا باز هم عالم کهن نمی‌بود؟ آیا آن فقط تغییر دادن شکل چیزها بدون اشاره کردن به اصل مطلب نبود؟ هیچ کدام از مخلوقات در عالم کهن از اینکه عالم در ابتدایی‌ترین، خالص‌ترین و راستین‌ترین وضعیتش به چه شکلی بود، هیچ تصویری ندارند. پس چگونه این کار می‌توانست به روش آنها انجام داده شود؟ این دلیل آن است که چرا نمی‌توانم آنها را تصدیق کنم. ولی آنها نمی‌خواهند در میان اصول فای کهن شکل‌گیری، ثبات، فاسد شدن و خرابی، تجزیه شوند، بنابراین از روی غریزه می‌خواهند خود را نجات دهند. مخلوقات، از بالاترین سطح عالم هستی تا پایین‌ترین سطح آن، در این [قضیه] شرکت کرده‌اند، در این سیستم کاملی که تمامی راه تا به پایین می‌آید؛ در هر سطح بیست درصد از مخلوقات شرکت کرده‌اند، و هر سطح به طور خاصی در حال برنامه‌ریزی این است که چگونه در انجام اصلاح- فا مرا یاری دهد. ولی لایه به لایه‌ی مخلوقات، ناخالص و ناپاک شده‌اند، و حتی آخرین موجود، ناخالص و ناپاک شده است. وقتی که در حال کمک به من هستند، هم‌زمان قصد خودخواهانه‌ی حفاظت از خود را پنهان می‌کنند. همگی می‌خواهند دیگران را تغییر دهند اما نه خودشان را- هیچ کسی نمی‌خواهد خودش را تغییر دهد- و حتی تلاش می‌کنند تا حد امکان چیزهایی را که به آنها وابسته هستند نگه دارند و رهایشان نکنند. آنها در طی این روند، امور زیادی را به طور ناقص و بدی انجام داده‌اند، بعضی امور را عمداً انجام دادند، در حالی که در مورد بعضی موارد دیگر حتی نمی‌توانستند متوجه شوند که آنها چیزهای بدی بودند. بنابراین هیچ کدام از کارهایی که انجام داده‌اند نمی‌توانست ملاک‌های عالم جدید را برآورده کند و حتی نمی‌توانست ملاک‌های مرحله‌ی ابتدایی عالم کهن را برآورده کند، بنابراین بسیار دور از ملزومات عالم جدید است- کاملاً متفاوت است. این موجودات هیچ راهی برای اینکه بدانند عالم جدید به چه شکل است ندارند. در این لحظه‌ی حساس و مهم، رفتار موجودات ذی‌شعور در قبال اصلاح- فا آینده‌شان را تعیین می‌کند. به بیانی دیگر، در میان اصلاح- فا، تمامی مخلوقات در حال امتحان شدن و تعیین دوباره‌ی جایگاه خود هستند، شامل از بین رفتن. این دلیل آن است که چرا آنها اصلاً مجاز نیستند بدانند عالم جدید به چه شکل است. تمام چیزهایی که در اصلاح- فا انجام شده است کاملاً با چیزهایی که آنها ترتیب دادند متفاوت است.

اکنون که در این موضوع هستیم، اول بگذارید کمی درباره‌ی زمان صحبت کنم. در واقع اصلاح- فا به سرعت در حال حرکت است. خارج از بدن کیهانی، هر چیزی از عالم جدید می‌تواند به سرعت یک حرکت دست آفریده شود. اگر چه این فقط یک قیاس است، اما واقعاً مانند این است که فقط با یک حرکت دست انجام می‌شود- این قدر سریع است. پس چرا برای من بیش از ده سال طول کشیده است که این را انجام دهم؟ حقیقت امر این است که بُعدهای مختلفی در عالم وجود دارد و هر بُعد، زمانی متفاوت دارد. در عالم، از بزرگترین تا کوچکترین، از جهان بی‌نهایت کوچک تا جهان بی‌نهایت بزرگ، ذرات بی‌شماری وجود دارد، در هر ذره‌ای، یک زمان مستقل وجود دارد و هر زمانی طول زمان متفاوتی دارد. بنابراین در درون دنیاهای ساخته شده با اندازه‌ی متفاوت که از ذرات تشکیل شده‌اند، زمان‌هایی وجود دارد؛ در داخل حتی بدن‌های کیهانی عظیم‌تر که از ذرات غیر قابل شمارشی تشکیل شده‌اند نیز زمان‌هایی وجود دارد؛ و سپس دسته‌های عظیم ذرات نیز که در سطوح مشابهی قرار دارند، به عنوان یک کل هستی دارند، حتی زمان‌های عظیم‌تری دارند. در عالم هستی آن قدر زمان‌های متفاوتی وجود دارد که آنها به بی‌شماری موجودات در عالم هستند. و عالم هستی به عنوان یک کل، زمان دیگری دارد، که شامل زمان‌های بی‌شمار بی‌شماری می‌شود که تأثیرات خاص خود را بر تمامی بُعدهای متفاوت دارند؛ تمامی این زمان‌ها برای شیوه‌های هستی موجودات ذی‌شعور در بُعدهای مختلف، خلق شدند. بنابراین زمان‌های بعضی از بُعدها بسیار سریع هستند، در حالی که زمان‌های بعضی از بُعدها بسیار آهسته هستند. جمله‌ای که هم‌اکنون درباره‌ی تفاوت سرعت زمانی در بُعدهای متفاوت گفتم، به عنوان مثال، از زمان شروع آن تا الان، زمان‌های بعضی از بُعدها، با همان سرعت من در اینجا پیش رفته‌اند، در حالی که در بعضی از بُعدها هم اکنون چند روز گذشته است، در بعضی از بُعدها ده‌ها هزار سال گذشته است، و در

بعضی از بُعدها صدها میلیون سال یا هزاران میلیارد سال گذشته است، این قدر سریع. این بدین دلیل است که عالم هستی فوق‌العاده عظیم است، ذرات درون آن بی‌نهایت کوچک و بی‌نهایت بزرگ هستند و همه‌ی آنها زمان‌های خودشان را دارند. درباره‌اش فکر کنید، هر چقدر هم که تمامی عالم هستی بزرگ و پهناور باشد، اگر اصلاح- فا فراتر از تمامی مفاهیم زمانی که در عالم هستی وجود دارد انجام شود، فراتر از هر چیز، اگر در خارج از زمان عالم هستی انجام شود و توسط هیچ زمان معینی محدود نشود، آن وقت هر چه قدر هم که عالم هستی بزرگ و وسیع باشد و هر تعداد زمان متفاوت وجود داشته باشد، در خارج بدن کیهانی، با یک حرکت دست انجام داده می‌شود. و آن سرعت حتی از سریع‌ترین زمان در جهان هستی سریع‌تر است. ولی آیا درباره‌ی موضوعی فکر کرده‌اید؟ در بعضی مکان‌ها در حالی که این حرکت دست انجام می‌شود صدها میلیون سال هم‌اکنون طی شده است.

در این بُعد بشری چندان بد نیست- از زمانی که اصلاح- فا شروع شد فقط کمی بیش از ده سال بوده است و از ۲۰ جولای ۱۹۹۹ فقط کمی بیش از دو سال بوده است، چهار سال تقویمی طول کشیده و اصلاح- فای من تنها کمی بیش از ده سال بوده است. درباره‌اش فکر کنید، آیا سریع نیست؟ در واقع بسیار سریع است- تمامی آن در زمانی به اندازه‌ی یک حرکت دست انجام می‌شود و تفاوت زمانی که در بُعد بشری متجلی می‌شود بیشتر از ده سال است. علاوه بر آن، به زمان کلی کیهان از وقتی اصلاح- فا شروع شد سرعت بیشتری داده شده است. قبل از جولای ۱۹۹۹ آنچه که قبل‌ها یک ثانیه بود، کل یک روز بود. حتی حالا هم هنوز سرعت می‌گیرد. آنچه که قبل‌ها یک ثانیه بود، حالا کل یک سال است- و این فقط محاسبه‌ی متوسط است و باز هم در حال تندتر شدن است.

همگی درباره‌اش فکر کنید، با این شتاب سریع، در مقایسه با کل تاریخ هستی‌تان، یا تمامی هستی‌تان، این، هیچ به حساب می‌آید. در آینده، وقتی به این دوره‌ی زمانی نگاه بیندازید [درمی‌یابید که] فقط یک لحظه بوده است، که هیچی نبود. در شروع این آزار و شکنجه، برای همه‌ی شما یک روز مثل یک سال احساس می‌شد. حتی در این دوره‌ی اخیر، بسیاری از شاگردان می‌پرسیدند، "چه موقع این تمام می‌شود؟ چه موقع این شکنجه و آزار به پایان می‌رسد؟" از این‌رو بعضی از افراد درباره‌ی این فکر می‌کنند که استاد چیزی در شعرش گفته است که بهار می‌آید، (همه می‌خندند) و فکر می‌کنند، "اوه، بنابراین آن در بهار تمام می‌شود." من در شعرهایم به پاییز نیز اشاره کردم، (همه می‌خندند) پس بعضی از شاگردان گفتند، "حتماً این معنی را می‌دهد که در پاییز به پایان می‌رسد." بنابراین وقتی که پاییز گذشت و آن به پایان نرسید، به نظر می‌رسید که آنها به شکلی ناامید شدند. درباره‌اش فکر کنید، آیا این، طرز فکر یک فرد عادی برای دیدن امور نیست؟

اگر یک نفر به این طریق فکر کند، یا دو نفر این‌طور فکر کنند، یا شاید سه نفر این‌گونه فکر کنند، مسئله‌ی مهمی نیست. اما اگر کل مریدان دافا یا اگر افراد بیشتری این‌گونه فکر کنند، آنگاه آیا این یک وابستگی شدید، یک مانع سخت نیست؟ به جای آنکه از این مدت زمانی به‌خوبی استفاده کنید، امیدوارید که هر چه زود به پایان برسد. درباره‌اش فکر کنید، اگر ما امروز آن را پایان دهیم، چه تعداد از مردم در چین خواهند مرد؟ افراد بی‌شماری، به موجودات بی‌شماری در بدن‌های کیهانی حتی بزرگتری مرتبط هستند، پس اگر این فوراً به آخر می‌رسید، چه تعداد موجودات از بین برده می‌شدند؟ اگر به علت ناتوانی ما در از بین بردن افکار اهریمنی در سر آنها که با فای بزرگ عالم هستی خصومت دارند، و با وجود این که بسیاری از آنها، بدن‌های کیهانی عظیمی را نمایندگی می‌کنند، پس چه تعداد از موجودات در جهان‌هایی که به آنها مرتبط می‌شوند به خاطر آنکه این افراد از بین برده می‌شوند، خواهند مرد؟ آیا متوجه‌اید چه تعداد از بین خواهند رفت؟ آیا درباره‌اش فکر کرده‌اید؟ شما مریدان دافا هستید، تاریخ مسؤلیت‌های بزرگ و باشکوهی را به شما به امانت گذاشته است. ما باید از این زمان خوب استفاده کنیم. از آنجا که این هنوز به پایان نرسیده است فرصتی برای نجات دادن موجودات ذی‌شعور است. فقط زمان کوتاهی باقی است؛ زمانی که اصلاح- فای دنیای بشری آغاز شود، جای افراد مشخص خواهد شد. اگرچه ما برنامه‌ها و ترتیبات نیروهای کهن را

قبول نمی‌کنیم، اما در طی این مدت، شما خودتان را آبدیده کرده‌اید و تقوای عظیم مریدان دافا را بنا نهاده‌اید. زمانی که دافا شکنجه و آزار می‌شود، اولین چیزی که مریدان دافا باید به آن فکر کنند نجات موجودات ذی‌شعور است و این که چگونه به دافا اعتبار بخشند. آیا این فوق‌العاده و باشکوه نیست؟ ما این برنامه‌ریزی توسط نیروهای کهن را یک ذره هم قبول نمی‌کنیم، ولی بالاخره این شکنجه و آزار رخ داده است، و بالاخره اهریمن بسیاری از موجودات ذی‌شعور را شکنجه کرده است. آیا نباید اولین فکر ما این باشد که چگونه برای نجات دادن موجودات، از زمان به خوبی استفاده کنیم؟ با آن به‌عنوان شکنجه و آزار یک انسان عادی علیه انسان‌ها روبه‌رو بودن، با طرز فکر یک انسان عادی فکر کردن، "چه موقع شهرت ما را دوباره برقرار می‌کنند؟ چه وقت به پایان می‌رسد؟" - درباره‌اش فکر کنید، آیا این افکاری است که یک مرید دافا باید داشته باشد؟

نگران نباشید که زمان زیادی طول خواهد کشید. می‌توانم به شما بگویم که مسیحیت بعد از سی‌صد سال شکنجه و آزار برخاست. آیا یک مرید دافا، با چنین مأموریت مهمی، به خوبی یک تزکیه‌کننده‌ی معمولی نیست؟ آنچه که مهم است این است که ما چیزها را چگونه درک می‌کنیم. بگذارید از شما بپرسم، اگر ده سال دیگر برای نجات دادن تمامی موجودات ذی‌شعور لازم بود، آیا هنوز آن را انجام می‌دادید؟ (شاگردان یک‌صد/ پاسخ می‌دهند، "بله!") (تثویق) یک مرید دافا می‌بایست این‌گونه باشند. (تثویق) البته ده سال دیگری نخواهد بود. مجاز نیست آن قدر طول بکشد، و آنها آن قدر زمان در زندگی‌شان باقی ندارند.

اما آنچه مهم است این است که مریدان دافا چگونه به امور نگاه می‌کنند. اگر یک نفر یا دو نفر این‌گونه فکر کند مشکلی نیست. ولی اگر تمام مریدان دافا این‌گونه فکر کنند، آن وقت آن یک مسئله است. آیا به یاد می‌آورید قبل از ۲۵ آوریل ۱۹۹۹ چگونه آن نخست‌وزیر چین چیزهای مثبتی درباره‌ی دافا گفت؟ زمانی که شاگردان ما در ۲۵ آوریل برای پژوهش‌خواهی رفتند، او با بعضی از مریدان دافا ملاقات کرد و چیزهای خوبی گفت. بعد از آن که شکنجه و آزار شروع شد، این سبب شد که برخی از شاگردان، بسیاری افکار بشری را رشد دهند، فکر می‌کردند: "امیدوارم سردسته‌ی اهریمن در سرزمین چین هر چه زودتر بمیرد، امیدوارم او^۳ از قدرت سرنگون شود تا نخست‌وزیر بتواند جای او را بگیرد. و اگر نخست‌وزیر به قدرت برسد، آیا نیک‌نامی ما اعاده نخواهد شد؟" آیا این از ذهن‌تان نگذشت: این فای‌عالم هستی است، بنابراین اگر انسان‌ها بخواهند به آن حمله کنند، فکر می‌کنید می‌توانند به آن حمله کنند؟ و اگر موجودات بشری بخواهند نیک‌نامی ما را اعاده کنند، فکر می‌کنید می‌توانند براستی نیک‌نامی ما را اعاده کنند؟ انسان‌ها شایستگی این را ندارند! چطور می‌توانید امیدتان را به یک فرد عادی ببندید؟ شما مریدان دافا هستید! هر کدام از شما مریدان دافا یک بُعد عظیم و وسیعی را نمایندگی می‌کنید. بشر به چه حسابی می‌آید؟ فقط این‌طور است که نیروهای کهن آن را به کار می‌برد و قدرت‌های بزرگ‌تر شما را مهر و موم می‌کند. چطور می‌توانید درباره‌ی چیزها این‌گونه فکر کنید؟ اگر همه‌ی شما این‌طور فکر کنید، نیروهای کهن آن را می‌بینند و فکر می‌کنند: "چطور همه‌ی آنها می‌توانند چنان افکاری داشته باشند؟ آن افکار باید از بین برده شوند، پس بیایید آن نخست‌وزیر را بد کنیم." آنها ترجیح می‌دهند برای اینکه از دست افکار بشری شما خلاص شوند، او را بد کنند. آیا این‌طور نیست؟ نیروهای کهن هیچ توجهی به حیات انسان ندارند - اگر بخواهند بکشند، فقط می‌کشند. در طی اصلاح - فا، آنها فقط به برنامه‌ریزی‌های‌شان چسبیده‌اند.

اگر اصلاح - فا واقعاً صدمه می‌خورد، عالم هستی واقعاً از هستی باز می‌ایستاد و نیروهای کهن هم از بین می‌رفتند؛ حتی یک مخلوق هم باقی نمی‌ماند، و همه چیز متلاشی می‌شد. هرچند نیروهای کهن می‌خواهند عالم هستی را احیا کنند، در واقع، آنها نمی‌توانند آن را انجام دهند. بنابراین وابسته بودن به آنچه که می‌خواهند انجام دهند و نقشی که در سعی در کنترل اصلاح - فا ایفا می‌کنند صد در صد بد است. تمام مداخلات با اصلاح - فا توسط آنها ترتیب داده شد، بنابراین زمانی که امور بر طبق آرزوها و

برنامه‌ریزی‌های‌شان انجام داده نمی‌شود، کارهای بد می‌کنند. در اصلاح- فا این موجودات از بین برده می‌شوند. در هنگام آشکارسازی حقیقت، شما دیده‌اید که اکنون بعضی افراد را به سختی می‌شود نجات داد. در واقع می‌توانم به شما بگویم که اکنون در دنیا بسیاری از مردم کاملاً غیرقابل نجات دادن هستند. آیا آن خط را به یاد می‌آورید که نوشتیم، "چه تعداد می‌توانند با رحمت نجات داده شوند؟" مریدان دافا، در زمان آشکارسازی حقیقت هرچقدر هم که شما فداکاری کنید، باید به شما بگویم، در آخر هنوز هم بسیاری از موجودات خواهند بود که نمی‌توانند نجات داده شوند- آنها محکوم به فنا هستند. من می‌دانم که چه تعداد مردم در سرزمین چین نابود خواهند شد، و این وحشتناک است- تعداد، بسیار عظیم است.

اجازه دهید به صحبت قبلی برگردم. درباره‌ی رابطه‌ی بین نیروهای کهن و من صحبت می‌کردم. نیروهای کهن دیدند که بر طبق اصول فای شکل‌گیری، ثبات، فساد تدریجی و نابودی، عالم هستی به سمت آخرین مرحله‌اش خواهد رفت. برای آن که خودشان را نجات دهند، از زمانی بسیار بسیار دور شروع به ترتیب و برنامه‌ریزی کردند. هیچ کسی نمی‌داند من چه کسی هستم. خودم هم نمی‌دانم چه کسی هستم. هرگز هیچ موجودی مرا ندیده است و هرگز هیچ موجودی مرا به هیچ اسمی خطاب نکرده است. من نه شکل و نه اسمی دارم و با هر چیزی که هر مخلوقی در عالم هستی را شکل می‌دهد متفاوت هستم. نسبت به موجودات ذی‌شعور در عالم هستی، من چیزی ندارم. شاید وقتی که دیگر عالم هستی نباشد، فقط من آنجا هستم. من هیچ ندارم. هیچ موجودی نمی‌داند من چه کسی هستم. اما بدون من، عالم هستی وجود نمی‌داشت. علتی که به اینجا آمده‌ام برای نجات موجودات ذی‌شعور در خلال اصلاح- فا در زمانی که افلاک عظیم عالم هستی در حال نابودی می‌باشد است.

در واقع هر آن‌چه که نیروهای کهن انجام داده‌اند از روی غریزه‌ای طبیعی است که موجودات عالم هستی مجبورند برای نجات خودشان تلاش کنند. ولی بی‌فایده است. هر زمان قبل از آن که افلاک عظیم‌الجثه در حال به پایان رسیدن بودند، موجودات در آن زمان‌ها نیز، همگی، همین کار را کردند، ولی در واقع آنها هلاکت را سرعت بخشیدند. به بیانی دیگر، در مدت اصلاح- فا، همه‌ی آنچه که رفتار موجودات ذی‌شعور نشان می‌دهد، نگرش‌شان نسبت به اصلاح- فا است و این تعیین می‌کند که آیا آنها نگه داشته می‌شوند یا نه- چقدر نگرش آنها نسبت به اصلاح- فا خوب است، ارزیابی می‌گردد و برای تعیین دوباره‌ی جایگاه‌شان به کار برده می‌شود. به بیانی دیگر، اینها چیزی بیش از نمایش‌های موجودات ذی‌شعور در آخرین مرحله‌ی شکل‌گیری، ثبات، فساد، و هلاکت نیستند.

زمانی که مستقیماً در پایین‌تر از سطح میانی افلاک عظیم‌الجثه‌ی عالم هستی ظاهر شدم، موجودات سطح بالا در افلاک عظیم‌الجثه‌ی عالم آن را دیدند. از هیچ چیزی نداشتن، خودم را به چیزی [شدن] جمع کردم- ولی نه ترکیبی از ذرات، چون من هیچ ذراتی ندارم. شما می‌دانید، من نمی‌توانستم به یک‌باره به اینجا که انسان‌ها هستند بیایم؛ اگر ترکیب بدن فردی بسیار ذره‌بینی باشد هر چیزی در جهان را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. به معنی دیگر، بدون توجه به سطح یک موجود، اگر او به جهانی که سطح پایین‌تری دارد وارد شود، آن جهان نابود می‌شود، زیرا هرچه ماده میکروسکوپی‌تر باشد، انرژی بیشتری دارد، و تشعشع آن بیشتر است. اگرچه انرژی یک خدا هوش دارد و کریمانه است، باز هم همه چیز را تغییر می‌دهد. بنابراین او مجبور است سطح به سطح بازپیدایی کند و فقط هنگامی که او پوسته‌ی آن سطح از ذرات را داشته باشد می‌تواند در آن سطح بماند. ولی همه درباره‌اش فکر کنید، پس این زمانی بی‌نهایت زیاد طول می‌کشد. بنابراین من بدین‌گونه قدم به قدم وارد شدم.

تنها من نیستم- بسیاری از خدایان در افلاک عظیم‌الجثه‌ی عالم هستی به دنیای بشری پایین آمدند، و آنها نیز مجبور بودند این‌گونه قدم به قدم پایین بیایند. بسیاری از خدایان از سطوح مختلف از عالم هستی آمده‌اند و با هدف نجات افلاک عظیم‌الجثه آمدند. نسبت به انسان‌ها، آنها موجوداتی از سطوحی بی‌نهایت

بالا هستند. آنها برای نجات همه‌ی آن قسم خوردند، و در واقع بسیاری از آنها پایین آمدند. قصد اولیه‌شان خوب بود، ولی آنها قادر به عملی کردن آن نبودند. نه تنها نتوانستند آن را انجام دهند، بلکه همچنین نتوانستند برگردند. در واقع هر کسی که باشد، به محض آنکه به سه قلمرو وارد شود برای او غیر ممکن است که هرگز برگردد. ولی بدون توجه به این که چه تعداد آمدند، موجودات در بالاترین سطح افلاک عظیم‌الجثه دیدند که هیچ‌کدام از آنها نتوانستند آن را انجام دهند. آنها هم در تمام مدت، مرا تماشا می‌کردند و از آن بالا بسیار واضح آن را دیدند- "آهان، این یکی می‌تواند آن را انجام دهد." آنها فکر کردند که ترکیب موجودیت من، از تمامی دیگر موجودات در عالم هستی متفاوت بود، و هیچ چیز نتوانست سرشت اصلی مرا تغییر دهد. بنابراین تصمیم گرفتند مرا انتخاب کنند. در واقع خدایان بسیاری به زمین آمده‌اند.

اگر چه آنها مرا انتخاب کردند، نمی‌دانستند واقعاً چه کسی بودم. پس چرا هنوز هم با بعضی برنامه‌ریزی‌هایی که در تاریخ انجام دادند همراهی کردم؟ چون این یک موضوع مهم را دربر دارد. شما می‌دانید، الان درباره‌ی اینکه چگونه سه گروه از افراد در میان مریدان دافا هستند گفتم، و یکی از آنها برای بنا نهادن رابطه‌ی کارمایی آمدند. تعداد مریدان دافا در این گروه بسیار زیاد است. آنها از بدن‌های کیهانی دور برای بنا نهادن رابطه‌ی کارمایی آمدند و موجودات ذی‌شعور در بدن‌های کیهانی عظیم و بسیار دوری را نمایندگی می‌کنند؛ به عنوان نمایندگان فرستاده شده توسط موجودات ذی‌شعور، آنها برای بنا نهادن رابطه‌ی کارمایی به زمین آمدند، چراکه اصلاح- فا قرار بود در اینجا انجام شود. اگر من در این شرکت نکرده بودم، درباره‌اش فکر کنید، آن‌گاه آن موجودات در بالاترین سطح عالم هستی کسی دیگر را برای بنا نهادن رابطه‌ی کارمایی انتخاب می‌کردند و خدایان بی‌شمار از بدن‌های کیهانی دور، کسی دیگر را برای بنا نهادن رابطه‌ی کارمایی انتخاب می‌کردند. این موضوع کوچکی نیست. اگر نیروهای کهن، چیزهایی را در هر سطح که برای احیای عالم عظیم‌الجثه بود، برای موجود دیگری به‌طور بسیار دقیقی برنامه‌ریزی کرده بودند، به موقعیت بسیار بدی منتهی می‌شد. آیا رابطه‌ی کارمایی را با فرد اشتباهی پایه‌گذاری نکرده بودند؟ البته، حتی اگر آن اتفاق می‌افتاد، باز هم قادر به بستن راه اصلاح- فای من نمی‌بودند. ولی مشکل مهمی رخ می‌داد: وقتی به زمانی می‌رسید که نجات شروع می‌شد، شخصی که انتخاب کردند، با این که توانایی انجام آن را نمی‌داشت، انجام آن را شروع می‌کرد؛ در ضمن، من شروع می‌کردم که اصلاح- فای حقیقی را انجام دهم، آن‌گاه آنها قطعاً فکر می‌کردند که من مزاحم آنها هستم، و تمامی موجودات کل کیهان کهن را به صف درمی‌آوردند تا مرا از بین ببرند- قطعاً فکر می‌کردند که من کسی هستم که در حال اخلال در امورشان بوده و سعی می‌کردند مرا نابود کنند. اما هیچ کسی قادر به از بین بردن من نمی‌شد و هیچ کسی قادر نمی‌بود سد راه اصلاح- فای من شود. بنابراین درباره‌اش فکر کنید، چه اتفاقی می‌افتاد؟ بر سرعت اصلاح- فا قطعاً نمی‌تواند تأثیری وارد شود، بنابراین اگر آن را کند می‌کردند نابودشان می‌کردم. بلافاصله نابود می‌شدند، و مهم نبود که چه تعداد از آنها شرکت می‌کردند، تمامی آنها نابود می‌شدند. برای لحظه‌ای فکر کنید، آیا من برای نجات تمامی موجودات ذی‌شعور به اینجا نیامدم؟ اگر تمام آنها نابود می‌شدند، من در حال نجات چه کسی بودم؟ این دلیل آن است که چرا قبلاً در تاریخ هنگامی که آنها مرا انتخاب کردند، آن را از نقطه‌نظر نجات دادن آنها در نظر گرفتم، و مخالفتی با آن نکردم، ولی هم، نمی‌توانستم بگذارم که آنها بدانند من چه کسی بودم. بنابراین به این صورت است که هر چیزی در افلاک عظیم‌الجثه مربوط به عالم هستی را ترتیب دادند، شامل هرآنچه که در تاریخ بشر رخ داده است. فکر من آن بود که وقتی اصلاح- فا شروع شد، برای آنها هم امتحانی خواهد بود. و چون هرآنچه که انجام می‌دادند نمی‌توانست با معیارهای عالم جدید صورت گیرد هرآنچه را که انجام می‌دادند

فقط به عنوان بازی در نظر می‌گرفتم. "اگر می‌خواهی بازی کنی، من هم بازی می‌کنم." همین و بس. اما درخصوص این که اصلاح-فا واقعاً به چه شکلی است، آن موضوع متفاوتی است. قطعاً مجاز نیستند بدانند عالم جدید به چه شکلی است. قرار نیست هیچ موجودی از [گذر از] اصلاح-فا از قلم بیفتد. آنها فکر می‌کنند که آنها مرا انتخاب کردند، که این برابر است با نجات دادن من، و این که آنها کمک‌های بزرگی را انجام دادند. اما درخصوص این که عالم بعد از اصلاح-فا به چه شکلی خواهد بود و آنها به چه شکلی خواهند بود، می‌خواستند آن چه را که خودشان می‌خواستند، داشته باشند و آنچه را که خودشان می‌خواستند نگه‌دارند، نگه‌دارند. بیایید در این باره فکر کنیم. مثلاً بگوییم که عالم جدید یک طلای خالص باشد: اگر یک موجود ناخالص وارد شود، آیا آن ناخالص نمی‌شود؟ چگونه ممکن است این مجاز باشد؟ هیچ موجودی نمی‌تواند از اصلاح-فا فرار کند-هیچ کسی نمی‌تواند. هر چیزی در بدن کیهانی، در افلاک عظیم‌الجثه بخشی از آن است. پس به بیانی دیگر، بدون توجه به این که نیروهای کهن چگونه مشغول برنامه‌ریزی امور بودند، گذاشتم آنها را برنامه‌ریزی کنند، اما در پایان، قطعاً این تعهد نمی‌تواند بر طبق الزامات آنها انجام داده شود. برای همین است که امروز تمامی این موانع پدید آمده‌اند؛ این‌ها نتیجه‌ی پافشاری نیروهای کهن است که من از برنامه‌ریزی‌های آنها پیروی کنم. بدون توجه به این که این موانع به چه بزرگی هستند، در واقعیت امر، بر اصل و ماهیت اصلاح-فای من تأثیر نگذاشته‌اند. و سرعت آن درست به همان شتاب است. و تماماً بر طبق الزامات من انجام داده می‌شود-عالم جدید درحال پایه‌گذاری همه چیز، کاملاً بر طبق استانداردهای دافا است. در حقیقت، نیروهای کهن در طول این شکاف زمانی، قبل از این که اصلاح-فا فرا رسد در حال عمل کردن هستند؛ و مریدان دافا نیز در طول همین مدت، فا را پشتیبانی کرده و موجودات ذی‌شعور را نجات می‌دهند؛ در ضمن، موجودات پلید فرومایه که توسط نیروهای کهن به کار گرفته شده‌اند، اینجا درحال انجام کارهایی هستند که مریدان دافا و موجودات ذی‌شعور را آزار می‌دهند؛ و افراد شرور و پلید که زیر نفوذ موجودات فرومایه و پلید قرار گرفته‌اند نیز در طی همین مدت، کارهای اهریمنی و پلید انجام می‌دهند.

برای چه مدتی است که نیروهای کهن چنین چیزهایی را در اینجا، جایی که انسان‌ها هستند برنامه‌ریزی کرده‌اند؟ زمانی برابر با دو دوره‌ی زمین. قبلاً گفتم که دافا قبلاً در گذشته در دنیای بشری آموزش داده شد. در زمین قبلی آموزش داده شد. چرا؟ زمین گذشته، آزمایش و تجربه‌ای بود که برای این زمین اجرا شد. نیروهای کهن با زمین قبلی آزمایش کردند، به طوری که مطمئن شوند در انتها، با ترتیباتی که برای دوباره‌سازی صورت می‌گیرد مشکلاتی وجود نداشته باشد. برای این بود که مطمئن باشند هیچ مشکلاتی پیش نخواهد آمد و از به خطا رفتن جلوگیری شود. پس چرا نیاز داشتند که آزمایشی چنین طولانی انجام دهند؟ زیرا قبلاً اینجا هرگز چنین مخلوقی شبیه انسان در موقعیت زمین وجود نداشت. چرا همیشه درباره‌ی موجودات فضایی صحبت می‌کنم؟ زیرا بدون توجه به این که در گذشته چه تعداد زیادی [کره‌ی] زمین دوباره تجدید و ساخته شد، مخلوقات اصلی در اینجا، در موقعیت این زمین، فرم‌های حیات آدم‌های فضایی را داشتند. در هر دوره‌ی زمانی، تفاوت‌هایی وجود داشت، ولی هیچ کدام از آنها شکل انسان را نداشتند.

چرا در تاریخ خدایان انسان را به شکل و صورت خودشان خلق کردند؟ این نیز معمایی در دنیای تزکیه بوده است. به شما می‌گویم، زیرا این فا قرار بود در اینجا آموزش داده شود و موجودات ذی‌شعوری که به فا گوش می‌کنند لازم است برای گوش کردن به فا ظاهری داشته باشند که ارزش گوش کردن به فا را داشته باشد. آوردن یک گله حیوان به اینجا برای شنیدن فا، اهانتی به فای بزرگ می‌بود، و این اصلاً مجاز نیست. اگر به خاطر این نبود که دافا آموزش داده می‌شد، اگر خدایی مخلوقاتی را اینجا با صورت انسان

خلق می‌کرد، تمامی خدایان او را از بین می‌بردند، زیرا این مثل اهانت و توهین به خدایان بود. به خاطر اصلاح- فا بود که خدایان انسان‌های روی زمین را به شکل خودشان آفریدند. آسیایی‌ها توسط خدایانی که به آسیایی‌ها شباهت دارند خلق شدند، غربی‌ها توسط خدایانی که به غربی‌ها شباهت دارند خلق شدند و خدایانی که به سیاهان شباهت دارند مردم سیاه را آفریدند، و نژادهای بشری دیگر، توسط خدایان دیگر خلق شدند. در آن زمان تمامی انسان‌ها، آن خدایانی را که آنها را خلق کرده بودند خدا می‌نامیدند. ولی اکنون نود درصد از نژاد انسان از موجودات سطوح بالا هستند و اکثر آنها از سطوح بسیار بالایی هستند. آنها صرفاً از جلد‌های بشری، که قبلاً خدایان آفریده بودند استفاده می‌کنند؛ آنها واقعاً رابطه‌ی مستقیمی با خدایانی که موجودیت انسان را خلق کرد ندارند. قبلاً زمانی که من فا را در نخستین زمین آموزش دادم، فای با این عظمت را آموزش ندادم، زیرا آن فقط برای اهداف تجربی بود. فای که آموزش دادم فقط موجودات ذی‌شعور را تا بهشت فالون نجات می‌داد. بنابراین موجودات ذی‌شعوری که در آن دوره نجات پیدا کردند همگی در بهشت فالون هستند. آن زمین مجاز بود تا مرحله‌ی آخر وجود داشته باشد. تکنولوژی در آن زمان بسیار پیشرفته بود؛ آن زمانی بود که ماه در آنجا نصب شد. ولی بخش صنایع بسیار پیشرفته باعث شد که هوا، آب، خاک، گیاهان، و غذای انسان‌ها - همه چیز در آن زمان- از شکل طبیعی خارج شود. سرانجام حتی بشر از شکل خارج شد، انرژی زمین کاملاً خالی شد، و انسان‌های آن دوره به پایان رسیدند.

بنابراین این دوره از زمین ۱۰۰ میلیون سال پیش شروع شد. بعضی از شما که اینجا هستید ممکن است فکر کنید، "ولی آن چه که من از کتاب‌های درسی آموختم این است که آن از سه و نیم میلیارد تا چهار و نیم میلیارد سال پیش بوده است." می‌توانم به شما بگویم که هر دوره از زمین ۱۰۰ میلیون سال دوام آورده و زمین گذشته هم ۱۰۰ میلیون سال دوام آورده است. ولی در *جوآن فالون* هم گفتم که ساخته‌های دست بشر در زمین به تاریخی صدها میلیون سال قبل برمی‌گردد، و بعضی از آنها به بیش از دو میلیارد سال قبل برمی‌گردد. من فقط سعی کردم به مردم بگویم که تمدن‌های پیش از تاریخ وجود داشته‌اند. مردم فقط مجاز هستند این مقدار بدانند، یعنی اینکه، در طی این صد میلیون سال نیز، بشر فرهنگ‌های ماقبل تاریخ بسیاری را آفریده است. کراتی که قبلاً در موقعیت زمین بودند نیز نابودی و آفرینش دوباره را چندین بار از سر گذرانده‌اند. در عالم هستی، بسیاری از کرات تجزیه و خرد می‌شوند و بقایای‌شان معلق می‌ماند، گرد و غبار و چیزهای ستاره‌مانند کوچکی را شکل می‌دهند. در بدن کیهانی عظیم، کرات پیوسته متلاشی می‌شوند و پیوسته دوباره شکل می‌گیرند، و آنها توسط انفجارهایی متلاشی می‌شوند. زمین هم از منفجر شدن متوالی زمین‌های گذشته و سپس شکل‌گیری مجدد زمین جدید، دوباره ساخته شد- یکی منفجر می‌شود، بعدی دوباره شکل می‌گیرد. غبار بسیاری در فضا وجود دارد. بعضی از آنها از عظیم هستند. بعضی از آنها شبیه سنگ‌های بزرگ هستند، بعضی از آنها به اندازه‌ی چندین کیلومتر مربع هستند و حتی بعضی از آنها به بزرگی ۱۰۰ کیلومتر مربع هستند. در هر سیاره، تمدن‌هایی وجود داشته است و زمین‌های قبلی هم تمدن‌هایی داشته‌اند. بنابراین بر روی قطعات بزرگ چیزهایی که کاملاً توسط انفجارات نابود نشده بودند، بقایایی از تمدن‌های مخلوقات گذشته وجود دارند. زمانی که زمین آفرینش دوباره یافت، توسط دوباره گردهم‌آیی این گرد و غبار کیهانی صورت گرفت و این دلیل آن است که چرا بقایای صنایع دستی و تمدن‌ها از زمین‌های گذشته و کرات دیگر وجود دارند. بنابراین اگر امروز از این پرده بر نمی‌داشتم، زمین‌شناسان و تاریخ‌شناسان، بدون توجه به این که از چه شیوه‌هایی استفاده کنند، قادر نمی‌بودند پی ببرند که مواد بر روی این زمین از کدام دوره می‌آیند. این زمین، همان‌طور که گفتم تاریخ صد میلیون ساله دارد؛ تا به امروز حساب کنیم دقیقاً صد میلیون سال است و به عمر زمین قبلی که در اینجا بود رسیده است. البته در طی این صد میلیون سال بشر چندین تمدن را مرور کرده است و به خاطر فساد اخلاقی‌اش،

بارها توسط خدایان نابود شده است. این به اصطلاح تمدنی که بشر در حال حاضر دارد توسط نیروهای کهن، به قصد، طراحی شده بود- این فرهنگ حقیقی انسان نیست.

پس چرا مستقیماً جلدهای بشر در زمانی که فا آموزش داده می‌شود آفریده نشود و خدایان پایین بیایند و به فا گوش کنند؟ چرا در عوض، انسان، بسیار زودتر در تاریخ آفریده شود؟ لازم است بدانید زمانی که خدایان انسان‌ها را خلق می‌کنند، نمی‌توانند در آنها افکار و شیوه‌ی فکر کردن خدایان را اضافه کنند، چراکه این کار، آنها را کاملاً خدایان می‌ساخت، نه بشر. و این مجاز نیست. اگرچه انسان‌ها ظاهر خدایان را دارند، خدایان نمی‌توانند آنان را به عنوان خویشاوندان خود در نظر بگیرند، زیرا انسان بسیار متفاوت از خدایان رفتار می‌کند. پس انسان‌ها در ابتدا شبیه چه بودند؟ ساختار بدن انسان‌ها توسط خدایان آفریده شد، بنابراین آن، کامل‌ترین سیستم بدن انسان در این بُعد است. تمام موجودات فضایی وقتی آن را دیدند با شگفتی آه کشیدند! البته این، سه جان و هفت روح انسان را هم شامل می‌شود، و با هم، این، بدن کامل انسان را شکل می‌دهد. بدون سه جان و هفت روح، فقط ظاهر بدن انسان خواهد بود، یا یک "پوست انسان". مفهوم "پوست انسان" از مفهوم پوستی که انسان‌ها درک می‌کنند متفاوت است. خدایان هر چیزی از بدن انسان در دورترین قسمت بیرونی که از ذرات ملکولی ساخته شده را، شامل استخوان‌هایش، خون، اعضای داخلی، و غیره، تمام ساختار کلی بدن انسان در ظاهر در نظر می‌گیرند، یا به شکل دیگری مطرح کنیم، اگر از نقطه نظر میکروسکوپی به آن نظری بیندازیم، بشری که در ظاهر از سلول‌های ملکولی ساخته شده، هر آنچه که به چشم انسان وقتی که بدن کالبدشکافی می‌شود قابل دیدن است، خدایان به تمامی این ساختار در سطح، به عنوان "پوست [یا جلد] بشر" اشاره می‌کنند. آنها به این پوست انسان‌ها اشاره نمی‌کنند.

ولی انسانی که عدم توانایی درک عالم هستی و همه‌ی چیزها در دنیای بشری را دارد، یا عدم درک این‌که حیات چگونه تجلی می‌یابد، و کسی که توانایی تحمل تغییرات در دنیای رنگارنگ را ندارد، کسی که هیچ‌گونه افکار شکل‌گرفته‌ای ندارد، و کسی که نمی‌تواند عالم هستی، زمین یا دنیای طبیعی را درک کند یا خود را با آن‌ها وفق دهد- او چگونه عمل خواهد کرد؟ به شما می‌گوییم، وقتی چیزهای خوب پدیدار می‌شد، به بالای درخت می‌رفت و با خنده‌ای بی‌پایان نعره می‌کشید، به‌طور هراس‌انگیزی با شور و تشنج می‌خندید. وقتی چیز غم‌انگیز و دردناکی برای او رخ می‌داد سوراخی در زمین حفر می‌کرد [و در آن می‌خزید]، و تا چندین روز قادر به فایق آمدن بر آن نمی‌بود. وقتی با چیزی روبه‌رو می‌شد که او را عصبانی می‌کرد، بدون هیچ‌گونه فکری درباره‌ی پیامد آن، خشمش را خالی می‌کرد. و او از خوشی، خشم، غم، یا لذت و خوشی خواهد مرد. درباره‌اش فکر کنید آیا این نوع افراد می‌توانند به فا گوش کنند؟ اما زمانی که انسان‌ها در آغاز خلق شدند شبیه این بودند، آنها هیچ جوهری در خود نداشتند، هیچ تحملی نداشتند و مفاهیم و درک‌شان از چیزها در این بُعد ناقص بود. بنابراین افراد مجبور بودند که از یک دوره‌ی زمانی طولانی بگذرند تا به تدریج ذهن بشری را توسعه دهند و به آنها ذات و تحمل دهد. این چیزی نبود که در یک مدت کوتاه بتواند صورت گیرد، بنابراین، این صد میلیون سال برای انجام دادن آن سپری شد و شیوه‌ای که امروز مردم عمل می‌کنند این‌گونه است که وقتی چیزی برایشان اتفاق می‌افتد وحشت‌زده نمی‌شوند، آنها آرام و آسوده‌خاطر باقی می‌مانند، منطقی فکر می‌کنند و حتی خلاقیت دارند. در واقع این‌که انسان‌ها چنین افکاری دارند و همان‌طور کارها را انجام می‌دهند طبیعی فکر می‌کنند، در نتیجه‌ی این است که خدایان با قصد این را برای انسان‌ها طی یک دوره‌ی زمانی فوق‌العاده طولانی در تاریخ به وجود آوردند و این روند می‌توانم به شما بگویم تا پنج هزار سال پیش ادامه داشت.

زمانی که به این دوره‌ی پنج هزار سال آخر و فرهنگ نیمه‌خدایی چین رسید، یک [فرآیند] نرمال کردن سازمان‌یافته‌ی ذهن انسان شروع شد، به‌طوری که آن بتواند فا را بپذیرد. هرچند اصول در بُعد بشری وارونه هستند، فای بزرگ عالم هستی، درست‌کار است. زمانی که فا را آموزش می‌دهم، معانی درونی اصول فا، کلمات، و شیوه‌هایی که نشان داده می‌شود، در سطوح مختلف بالای سه‌قلمرو به‌صورت متفاوتی شنیده می‌شوند، اما اصول فا هنوز سراسر سازگار و بی‌تناقض است. قلمروهای مختلفی که مخلوقات مختلف [تا آن قلمروها] صعود کرده‌اند تفاوت‌ها را تشکیل می‌دهند - آن‌ها ناراستی و عدم هم‌ترازی نیستند. اگر من اینجا در میان انسان‌ها به یک طریق آموزش می‌دادم و در آسمان‌ها به شیوه‌ای دیگر، درباره‌اش فکر کنید، این فا، تماماً دربرگیرنده نمی‌بود - و نمی‌توانیم اجازه دهیم این‌گونه باشد - زیرا در اصلاح - فا، فایی که اینجا در میان انسان‌ها آموزش داده می‌شود با تمامی عالم هستی باید مطابقت داشته باشد. وقتی که فا را آموزش می‌دهم، من‌هایم در هر سطح به سطح نیز، در حال آموزش فا هستند و موجوات ذی‌شعور در هر سطح به سطح در حال گوش دادن به فا هستند.

پس چگونه ذهن انسان می‌بایست شکل داده می‌شد و به صورت طبیعی درمی‌آمد که وقتی فا را می‌شنید به او اجازه‌ی درک آن داده شود؟ هر آن‌گونه که من [قصد داشتم] فا را آموزش دهم، همان‌گونه بشر و فکر بشر می‌بایست شکل داده می‌شد. تمام مردم سراسر دنیا می‌دانند که تقوا چیست، ایمان چیست، خوبی چیست، پلیدی چیست، و خوب و بد چیست - این‌ها ابتدایی‌ترین هستند. در چین آنها مشخص‌تر ظاهر می‌شوند و معانی درونی آنها عمیق‌تر است. از آنجا که فا قرار بود در آنجا آموزش داده شود و این تعهد قرار بود که در آنجا انجام شود، فرهنگی غنی که می‌توانست به‌درستی بگذارد مردم فا را تشخیص دهند و درک کنند، لازم بود که در آنجا به‌وجود آورده شود. قبلاً به شما گفتم که در تمام تاریخ در حال شکل دادن رابطه‌ی کارمایی با بسیاری از مریدان دافایم بودم. برقراری روابط کارمایی فقط هدف بیرونی و ظاهری بود؛ بعد از ساختن روابط کارمایی، مریدان دافا و من می‌بایست مسئولیت خلق تمدن بشر و فرهنگی که دافا نیاز داشت را نیز به دوش گیریم. زیرا در تاریخ، اگر یک فرد عادی معمولی، می‌خواست یک تمدن، بقایای تاریخی، یا یک تئوری را در تاریخ بشر - که برای آموزش دادن دافا خلق شد - برجای گذارد، آن قطعاً اجازه داده نمی‌شد. بنابراین تمامی فرهنگی که در تاریخ منتقل شده است توسط مریدان دافا ساخته شد؛ و البته استاد هم وجود داشت که شما را رهبری می‌کرد. تاریخ بشر مانند یک نمایش است، و شما تمام نقش‌ها را بازی کردید - از پادشاهان تا مردم معمولی، از قهرمانان تا آدم‌های رذل و پست (خنده)، از دانشمندان تا مردم مشهور، تا قهرمانان. حالا نخندید! حالا نخندید اگر هیچ‌کسی نقش آدم پست را ایفا نمی‌کرد، آنگاه زمانی که فا را امروز آموزش می‌دادم هیچ‌کسی نمی‌دانست که یک آدم پست چیست، اعمال یک آدم پست چه هستند، او چگونه فکر و احساس می‌کند، یا یک آدم پست شبیه چیست. یک جای خالی در فا نمی‌تواند وجود داشته باشد.

شما درباره‌ی *رمان سه پادشاهی*^۴ می‌دانید، درست؟ *رمان سه پادشاهی*، "یی"^۵ را به نمایش می‌گذارد. از طریق یک سلسله و مجادله کردن بر سر قدرت در میان سه قدرت، مفهوم درونی یی کاملاً به نمایش گذاشته شد. همچنین با گذشت یک دوره‌ی زمانی به درازی یک سلسله بود که عمق معنای یی به نمایش گذاشته شد، و فقط بعد از آن می‌باشد که بشر، هنگامی که امروز فا آموزش داده می‌شود، درک عمیقی از یی دارد و می‌داند یی چیست، وسعت رابطه‌ی بین معنای ظاهری و درونی‌اش را می‌داند، یا چگونه در سطوح عمیق‌تر متجلی می‌شود. مردم نمی‌توانند فقط معنای سطحی این کلمه را بدانند - لازم است تمامی معنای درونی آن را درک کنند. البته *رمان سه پادشاهی* کاردانی و دیگر ظرفیت‌ها و کیفیت‌های انسان را نیز به نمایش گذاشت.

یوفی از سلسله‌ی سونگ جنوبی، این‌که "وفاداری و اخلاص" چیست را به نمایش گذاشت. "وفاداری و اخلاص" چیست؟ نمی‌توانید فقط آن را بگویید و توضیحی بدهید. فقط پس از کل یک سلسله، مردم توانستند به‌طور واقعی معنی درونی آن را، این‌که در سطوح عمیق‌تر به چه چیزی ارتباط دارد و در عمل چگونه به نمایش در می‌آید را بدانند.

در تاریخ، مکاتب فکری مختلفی هم وجود داشت و همچنین مفهوم نیک‌خواهی، یی، درستی، یادگیری، امین بودن، و چیزهای دیگر وجود داشت که کنفوسیوس در آموزش اهداف طلایی‌اش بیان کرد. فقط بعد از اینکه شاکيامونی، لائو‌زی و مسیح آمدند، مردم امروز واقعاً توانستند بدانند که ایمان صالح چیست و تزکیه چیست، یک بودا، یک دائو، و یک خدا چیست و چیزهای دیگر - این‌گونه چیزها. در طی تاریخ طرز فکر بشر امروز در حال غنی شدن بود و این اجازه داد که مردم، فا را تشخیص دهند و درک کنند و فا را به‌دست بیاورند. سراسر دوره‌ی تاریخ بشر برای پایه‌گذاشتن این بنیان بود. به کلامی دیگر، برای آموزش دادن دافا بود که انسان‌ها و فرهنگ بشر خلق شد. این‌طور نیست که فا موافق فرهنگ بشر آموزش داده می‌شود و اصلاً هم محصول فرهنگ بشر نیست. بنابراین این آن چیزی است که ما در طی این پنج‌هزار سال انجام داده‌ایم.

درحالی که بر سر این موضوع هستیم، بگذارید آن را بیشتر روشن کنیم: جامعه‌ی بشری مانند یک نمایش است - سلسله بعد از سلسله، درست مثل اینکه پرده گشوده می‌شود و یک سلسله نمایش را شروع می‌کند، و همان‌طور که یک سلسله به پایان می‌رسد، پرده‌ی بزرگ بسته می‌شود، سپس دوباره گشوده، و یک سلسله‌ی متفاوت جایگزین قدیمی‌تر می‌شود. سلسله بعد از سلسله، یکی بعد از دیگری، آنها به این شیوه رژه رفتند، روابط کارمایی را شکل دادند، تاریخ را پشت سر گذاشتند و فرهنگی را که برای انسان‌ها لازم بود آفریدند، صحنه‌ای را بعد از صحنه‌ای دیگر به نمایش گذاشتند. چرا اینها در چین "سلسله" ولی در مکان‌های دیگر "کشور" نامیده می‌شوند؟ چرا رهبران آنها "پادشاه" نامیده می‌شوند، در حالی‌که در چین آنها "امپراطور" نامیده می‌شوند؟ بگذارید به شما بگویم، این‌ها اختلاف در اصطلاحات یا فرهنگ‌ها نیست. از آن‌جا که انسان‌ها برای دافا آفریده شدند، دافا موضوع اصلی این نمایش است و موجودیت تمام موجودات ذی‌شعور دور این موضوع اصلی می‌چرخد. فقط این‌طور است که مردم با کشمکش‌ها و درگیری‌هایی که در جزئیات نمایش، به نمایش گذاشته‌اند مشغول شده و موضوع اصلی نمایش و هدف اصلی حیات را فراموش کرده‌اند. صحنه‌ی نمایش چین است.

سلسله بعد از سلسله، مردم هر سلسله، سلسله‌ی مردمی از آسمان‌ها بودند. آنها نمایندگان بدن‌های کیهانی بسیار دوری هستند، موجودات ذی‌شعور بی‌شمار آنجا را نمایندگی می‌کنند و به اینجا آمده‌اند که یک رابطه‌ی کارمایی را شکل دهند، برای اینکه آن موجودات ذی‌شعور در طی اصلاح - فا جا نمانند. در حالی که در مدت سلسله‌ی شان رابطه‌ی کارمایی را شکل می‌دادند، فرهنگی که با خودشان آوردند را به‌جای گذاشتند. و بعد از آن که رابطه‌ی کارمایی‌شان را شکل دادند، در زندگی بعدی در مناطق دیگر بازپیدایی یافتند و برای روزی که دافا آموزش داده می‌شد منتظر ماندند. هر سلسله‌ای شبیه این بود، و تمام ملیت‌ها در دنیا، در چین بازپیدایی یافتند - و این شامل هر فردی در هر کشوری می‌شود. به‌جز آن گروه بزرگی از موجودات از قلمروهای بالاتر، که بعد از آن که من در این زمان اخیر آموزش فا را شروع کردم آمدند، مردم هر کشوری در مرحله‌ای در تاریخ، در چین ظاهر شدند. بدون توجه به این‌که در چه کشوری هستید، شما بر روی این زمین اول چینی بودید، زیرا اولین بازپیدایی شما در آنجا بود. تا این حد که گفته‌ام، لازم می‌دانم به شما بگویم که شکل و مفهوم باطنی چین به عنوان یک کشور، در واقع وجود ندارد. آیا به آنچه که هم‌اکنون گفتم شوکه شدید؟ در واقع فرهنگ چین توسط تمام مردم دنیا در سلسله‌های مختلف به‌جای

گذاشته شد؛ و این افراد بعد از آن که رابطه‌ی کارمایی را شکل دادند، در مناطق دیگر بازپیدایی یافتند. برای مثال، آمریکایی‌های امروزی از مردم سلسله‌ی مینگ بزرگ بودند. آمریکایی‌های امروزی داتوئیسیم را بسیار دوست دارند و هنوز هم ارزش‌های آن زمان را بروز می‌دهند. قبلاً وقتی داتوئیسیم در زمان سلسله‌ی مینگ بسیار مشهور شد، در برخی از شهرها تقریباً هر خانواده‌ای در خانه‌اش کوره‌ای برپا می‌کرد. انگلستان تانگ بزرگ بود، فرانسه چینگ بزرگ بود، ایتالیا یوان بود، استرالیا شیا بود، روسیه جوئو بود، سوئد سونگ شمالی بود، تایوان سونگ جنوبی بود و ژاپن سویی بود. در آن زمان‌ها افراد هر سلسله، چین را ترک کردند و در مکان‌هایی که این کشورهایی که الان وجود دارند را نداشتند، بازپیدایی یافتند- آنها هنوز بیابان‌ها و سرزمین‌های ناهموار بودند. بنابراین اکثر مردم به‌صورت پراکنده‌ای در سراسر دنیا بازپیدایی یافتند و تنها در سال‌های اخیر به مکان‌هایشان برگشتند. مردم یک سلسله به یک مکان رفتند، در حالی که افرادی از سلسله‌ی دیگر به مکان دیگری رفتند- آن این‌گونه سپری شد. بنابراین صریح بگوییم، "چین" کجاست؟ و چه کسانی "مردم چین" هستند؟ "چین" به معنای واقعی وجود ندارد.

"ولی حالا وجود دارد، درست؟ زیرا آن نیز، هم‌اکنون کشور نامیده می‌شود، و دیگر سلسله‌هایی وجود ندارند." در واقع هنوز هم وجود ندارد، زیرا زمانی که قرار بود آخرین صحنه نمایش داده شود، زمانی که قرار بود فای آموزش داده شود، موجودات ذی‌شعور سراسر دنیا که با من یک رابطه‌ی کارمایی را شکل داده بودند، مردمی که بسیار محتمل بود که فا را کسب کنند و آنهایی که در زمانی که دافا به وسعت زیاد رواج می‌یافت نقش منفی ایفا می‌کردند، تماماً برگشتند در چین بازپیدایی یابند. خواه کسی باشد که آمد فا را کسب کند یا آنهایی که آمدند صدمه بزنند، تمام آنها برای این فا آمدند، برای فا به دنیا آمدند و برای فا شکل گرفتند- هر کسی در مکانش است. این دلیل آن است که چرا امروزه مردم در چین متنوع‌ترین هستند؛ زیرا موجودات مثبت و منفی از سراسر دنیا که برای دوره‌ی اصلاح- فا آمدند در آنجا گرد هم آمدند. ولی صرف نظر از اینکه آیا یک موجود آمد که نقش مثبت یا منفی ایفا کند، از آنجا که اصلاح- فا ترتیبات و برنامه‌ریزی‌های نیروهای کهن را قبول ندارد، تا آنجایی که یک موجود اصلاح- فا را به‌درستی اداره و به آن نگاه کند هنوز هم امید است که از بین برده نشود. و اگر او بتواند فا را کسب کند، او را نجات خواهیم داد. چیزی هست که قبلاً به شما یادآوری کرده‌ام. من پرسیدم آیا می‌دانید چرا دمکراسی در دنیا پدیدار شد؟ دلیل اصلی این است که پادشاهان آن ملیت‌ها، که از آن بدن‌های کیهانی آمدند، همگی در چین بازپیدا شده‌اند. بنابراین چه کسی در آن مناطق دیگر، می‌توانست خودش را پادشاه قلمداد کند؟ سرانجام آن موجودات سطح بالای نیروی کهن تصمیم گرفتند، "بگذارید آن انسان‌ها خودشان رهبران‌شان را انتخاب کنند." وقتی کسی انتخاب می‌شود نمی‌تواند پادشاه نامیده شود. "پس بگذارید او را رئیس‌جمهور بنامیم." به هر حال، حتی بعد از آن که او رهبر آنها می‌شود باز هم نمی‌توان با او مثل یک پادشاه رفتار کرد؛ زمانی که او بد می‌شود مردم می‌توانند درباره‌ی او چیزهای بد بگویند، و حتی اگر بدتر شود می‌توان او را استیضاح کرد، و کسی دیگر انتخاب خواهد شد. این است دلیل واقعی این‌که چرا آن موجودات در آن بالا دمکراسی را ترتیب دادند. عوامل دیگر نیز وجود دارند. آنچه که در این مکان بشری تجلی می‌یابد اصول سطح بشری را نیز شامل می‌شود. انسان‌ها هیچ تصویری از اینکه چه می‌گذرد ندارند. بنابراین اگرچه مردم چین به‌طور خاصی برجسته به‌نظر نمی‌رسند- که به واسطه‌ی مقدار زیاد کارما در این دوره‌ی اخیر است- اگرچه این پوست، دیگر به آن اندازه زیبا نیست، ماده‌ی داخل آن مهم است. درباره‌ی این فکر کنید که چقدر وحشتناک خواهد بود اگر موجودات ذی‌شعور آنجا نابود شوند. خواه آنهایی باشند که نماینده هستند، یا بُعدها و موجودات ذی‌شعوری که به آنها مربوط هستند، همگی گروه‌های مهمی از موجودات هستند.

با صحبت درباره‌ی این چیزها، درباره‌ی چیز دیگری صحبت می‌کنم. الان اشاره کردم که تاریخ این زمین فقط صد میلیون سال عمر داشته است. اساساً صد میلیون سال در روی این زمین به دو دوره‌ی بزرگ

تقسیم شده است، هر دوره ۵۰ میلیون سال. اولین ۵۰ میلیون سال دوره‌ای بود که غول‌ها، آدم‌کوتوله‌ها و افراد با اندازه‌ی متوسط هم‌زمان می‌زیستند. غول‌ها به طور متوسط ۵ متر قد داشتند. افراد متوسط به اندازه‌ی مردم امروزی بودند، با قد متوسط کمتر از دو متر و آدم‌کوتوله‌ها فقط چند اینچ بلندی داشتند. وقتی خدایان مردم را خلق کردند، چرا آنها هم‌زمان این سه نوع را آفریدند؟ برای این بود که امتحان کنند کدام‌یک از این سه نوع افراد برای زندگی کردن در زمین تا مرحله‌ی پایانی مناسب خواهند بود و برای کسب فایده مناسب خواهند بود. در مدت آن ۵۰ میلیون سال، توانایی بشر برای درک دنیا پیوسته شکل می‌گرفت، درحالی‌که هم‌زمان مشخص می‌شد که کدام نوع از افراد نگاه‌داشته می‌شدند. سرانجام معلوم شد که غول‌ها مناسب نبودند، چون بدن‌های بزرگی داشتند، از لحاظ ارتباط با کره‌ی زمین، فواصل برای آنها کوتاه شده بود. بالنسبه بگوییم آنها زمان را هم کوتاه‌تر می‌کردند، زیرا مصرف مادی غول‌ها متناسب با کره‌ی زمین نبود. بعداً معلوم شد که آدم‌کوتوله‌ها هم متناسب نبودند- جنگل‌ها همه‌جای زمین بود و برای آنها شکستن درختان سخت بود. در آن زمان هیچ زمین صافی نبود و بنا نهادن تمدنی مانند امروز برای آنها سخت می‌بود. در ضمن، زمان روی کره‌ی زمین برای کوتوله‌ها به‌نظر بسیار طولانی می‌آمد و فواصل بسیار طولانی بود؛ برای کوتوله‌ها به‌ویژه عبور از اقیانوس‌ها نشان می‌داد که بسیار مشکل است. بنابراین آنها مناسب نبودند. آن‌گاه غول‌ها و کوتوله‌ها از بین رفتند. آنها بلافاصله از بین رفتند- ۵۰ میلیون سال گذشت تا آنها در تاریخ به‌تدریج شروع به از بین رفتن کردند. دو قرن پیش بود که غول‌ها سرانجام از برابر دید ما ناپدید شدند؛ به کلامی دیگر درست ۲۰۰ سال پیش بود که غول‌ها سرانجام از نظر محو شدند. در ضمن، کوتوله‌ها ۷۰ یا ۸۰ سال پیش هنوز دیده می‌شدند. فقط در سال‌های اخیر آنها از بین رفتند و این‌طور نیست که کاملاً از بین رفته‌اند- تعدادی به بُدهای دیگر رفتند، تعدادی به زیر زمین رفتند. می‌دانند که آنها کسانی هستند که از بین برده می‌شوند، بنابراین هیچ تماسی با مردم جدید برقرار نمی‌کنند.

اکنون که در این موضوع هستیم، از دو معمای گذشته پرده برخواهم داشت. بشر نمی‌تواند توضیح دهد که اهرام چگونه بنا شدند. مردم چگونه سنگ‌های عظیم را جابه‌جا کردند؟ برای چندین انسان که پنج متر قد داشتند، جابه‌جایی آنها با جابه‌جایی یک سنگ بزرگ توسط انسان‌های امروزی هیچ تفاوتی ندارد. ساختن آن اهرام برای اشخاص با پنج متر بلندی قد مثل ساختن یک ساختمان امروز برای ما بود. معمای دیگر این است که چرا حیوانات بزرگی مثل دایناسورها وجود داشت؟ حقیقت این است آنها برای غول‌ها تهیه شده بودند. بین شیوه‌ای که یک شخص پنج‌متری به حیوانات بزرگ مثل دایناسورها نگاه می‌کند و شیوه‌ای که مردم امروز به گاوها نگاه می‌کنند هیچ تفاوتی نیست. لازم بود گونه‌های مختلف برای انسان‌های مختلف تهیه شود. هرچیزی بر روی زمین برای انسان آفریده شد، برای انسان شکل گرفت. همچنین درحالی‌که در این موضوع هستم می‌توانم به شما بگویم، حیوانات قطعاً نمی‌توانند با انسان‌ها برابر باشند. مطلقاً نمی‌توانید فکر کنید که آنها مثل هم هستند. شما می‌توانید نسبت به آنها رحمت داشته باشید و می‌توانید به آنها علاقه داشته باشید. ولی مطلقاً نمی‌توانید همان‌طور که با انسان‌ها رفتار می‌کنید با آنها رفتار کنید. انسان توسط خدایان آفریده شد؛ یکی دانستن انسان‌ها و حیوانات مثل توهین به انسان و کفر و ناسزا به خدایان است. حقیقت تاریخ به‌زودی به مردم نشان داده می‌شود. و در آن زمان بشر مفاهیم حقیقی و درستی از عالم هستی، حیات و ماده خواهد داشت. امروزه وقتی که بعضی از افراد کار باستان‌شناسی انجام می‌دهند همین‌طوری می‌روند و استخوان‌های انسان را به دایناسورها می‌چسبانند و افراد در رابطه با ساختمان اهرام نیز افکار کوتاه‌بینانه موجود را برای فکر کردن درباره‌ی آن به‌کار می‌برند و استنتاج‌هایی می‌کنند. حقیقت این است که بسیاری از مفاهیمی که علم درباره‌ی این دنیای فیزیکی دارد

اشتباه هستند و حتی نقطه‌ی شروع‌شان اشتباه است. حتی تئوری جاذبه غلط است. من درباره‌ی این چیزها وقتی که فرصتی باشد صحبت خواهم کرد.

هم‌اکنون پرده‌ای که تاریخ انسان را می‌پوشاند برداشتم. (تئویق) آن مورد بحث قرار دادن تاریخ نبود، چون انسان برای دافا آفریده و ساخته شد. بنابراین من در حالی که این تاریخ را برای شما می‌گفتم در حال آموزش فا به شما بودم، چراکه همه‌ی این‌ها به فا ارتباط دارند. چیزهای بسیاری برای مریدان دافا واقعاً مهم هستند، مخصوصاً از آنجایی که این چیزها و هرکاری که شما الان انجام می‌دهید همگی با مسئولیت‌های شما نسبت به دافا درهم بافته شده‌اند و از آنجایی که آنها عوامل اساسی و بحرانی خود مریدان دافا را شامل می‌شوند. من در حال توضیح این هستم به این امید که از این لحظه به بعد در اصلاح-فا حتی بهتر کار کنید. باید سخت تلاش کنید، و باید خوب عمل کنید، زیرا آنچه که شما می‌خواهید، به کمال رساندن همه چیز است و شما مسئولیت‌هایی دارید- شما با مسئولیت و مأموریت نجات موجودات ذی‌شعور آمده‌اید. در سراسر تاریخ افراد اظهار کرده‌اند که موجودات ذی‌شعور را نجات می‌دهند. ولی چه کسی معنای واقعی نجات موجودات ذی‌شعور را می‌داند؟ شما واقعاً در حال نجات موجودات ذی‌شعور هستید و تنها شما شایسته‌ی انجام دادن کاری به این عظمت هستید. مطمئن باشید که این فرصت را از دست ندهید!

فکر می‌کنم صحبت بیشتری نخواهم کرد. بعداً اگر هرکدام از شما هنوز سؤالاتی دارید که لازم است بپرسید، که فکر می‌کنید مهم هستند، می‌توانید بپرسید و از زمان باقی‌مانده استفاده می‌کنم تا برای شما آنها را جواب دهم. درخصوص چیزهای خاص در کارتان، زندگی‌تان، یا تزکیه‌تان، آنها عوامل و وضعیت‌هایی هستند که به شما امکان بهتر شدن‌تان در تزکیه‌ی شخصی‌تان را می‌دهند، آنها چیزهایی هستند که شما لازم است به آنها آگاه شوید و امتحاناتی هستند که شما لازم است خودتان بگذرانید. فکر می‌کنم که باید بگذارم شما تقوای عظیمی را که از روشن‌بین شدن توسط خودتان خواهید داشت به دست آورید. اگر جواب آنها را به شما بدهم مال شما نخواهد بود.

سؤال: وقتی افکار درست می‌فرستیم، آیا فرمول‌ها و وضعیت دست‌ها به شکل خاصی به یکدیگر مربوط هستند؟

معلم: نه، به میل شماست که کدام یک از حالات دست را برای کدام فرمول به کار برید.

سؤال: در مدت اصلاح-فا [بعضی افراد] به آنچه شاگردانی که چشم سوم‌شان باز است گوش می‌دهند به جای آنکه هر چیز را با فا ارزیابی کنند.

معلم: در همه‌ی مواقع، خواه در حال انجام کارهای گروهی باشید یا به طور فردی فا را اعتبار ببخشید، همه چیز باید بر دافا متمرکز باشد، باید فا برای ارزیابی هرچیز به کار برده شود، و شما قطعاً نمی‌توانید از هرآنچه که کسی با چشم سومش دیده است پیروی کنید. برای آنکه اگرچه آنچه مریدان دافا می‌بینند بیشترش درست است، فقط بخشی از تصویر کلی است، و هم‌زمان به سطوح آنها محدود است، و گاهی اوقات منظره‌ای است که از وابستگی‌ها و تمایلات شکل گرفته است. بگذارید به شما بگویم که در این عالم هستی، هرچه قدر هم که سطح یک خدا بالا باشد، این عالم هستی هنوز هم برای او یک راز است، و او هنوز هم موجودی است که لازم است در طی اصلاح-فای عالم هستی نجات داده شود. آنچه که او می‌تواند ببیند فقط چیزهایی هستند در سطوحی که او در آن قرار دارد، به جای آنکه حقیقت وضعیت تمامی عالم هستی باشد و یا حتی کمتر تصویر واقعی، پایانی و حقیقی آنچه را که مریدان دافا لازم است در اصلاح-فا انجام دهند دربردارد. صرف‌نظر از آنچه که می‌بینید آن خدایان انجام می‌دهند یا آنچه که

می‌شنوید آن‌ها می‌گویند، آن را باور نکنید. فقط کارها را بر طبق دافا و ملزومات و درخواست‌های استاد انجام دهید. شما باید هرکاری را به درستی انجام دهید- این بسیار مهم و بسیار عظیم است! شما نمی‌توانید آنچه را که کسی می‌بیند به عنوان راهنمایان در نظر بگیرید.

وقتی که کارهایی را با دیگر مریدان دافا انجام می‌دهید این اجتناب‌ناپذیر است که با هم بحث و جدل داشته باشید، و غیرقابل اجتناب است که نظرات و عقاید متفاوتی داشته باشید. چرا؟ وابستگی‌های شما به نوعی باید نشان داده شوند به طوری که بتوانید آنها را از بین ببرید. ولی اگر بعد از مدتی طولانی بحث و جدل، حاضر نباشید کوتاه بیایید، آن وقت آن یک مشکل است، و به این خاطر است که شما به درون نگاه نکرده‌اید و به اشکال خود نظر نینداخته‌اید. همه‌ی شما می‌خواهید نسبت به دافا مسئول باشید، و مقاصد شما خوب است. ولی اغلب مواظب خودتان نیستید، و بسیار امکان دارد که بعضی امیال و وابستگی‌های انسانی معمولی را داشته باشید. اطمینان حاصل کنید که به این چیزها توجه دارید.

به این جایی که امروز در اصلاح- فا رسیده‌اید، مریدان دافا، هرآنچه را که در طی اصلاح- فا انجام داده‌اید استاد تأیید می‌کند. از ۲۰ جولای ۱۹۹۹ تمام شاگردان پیش از ۲۰ جولای را به مقام‌های دستیابی‌شان هل داده بودم- شما را به بالاترین مقام کمال‌تان هل دادم. قبلاً به شما گفته‌ام که تغییرات شما از نهایی‌ترین عالم ذره‌بینی و سرشت اولیه‌تان شروع می‌شود. بعضی از شاگردان احساس کردند، "چقدر سریع در حال تزکیه کردن هستیم". در آن موقع همه‌ی شما این‌گونه احساس کردید. روند کمال شما و صعود نهایی در تزکیه‌تان هر دو برای هدف اعتبار بخشی بعداً شما به فا بود. بنابراین اگر شما کسی هستید که در دوره‌ی تزکیه‌ی شخصی فا را به خوبی مطالعه کردید، در میان شکنجه و آزار، اعتباربخشی به فا و نجات موجودات ذی‌شعور را به خوبی انجام خواهید داد؛ و در اصلاح- فا بدن شما در سطح پیوسته جذب مراتب یا سطوح بالا خواهد شد، و آنچه در سطح بشری شما باقی خواهد ماند کمتر و کمتر خواهد شد. ولی برای آنهایی که به خوبی عمل نکرده‌اند، که به سمت مخالف رفته‌اند یا کسانی که قدم به پیش نگذاشته‌اند، می‌توانیم ببینیم که بدن‌هایشان در سمت خدایی‌شان لایه به لایه به سمت پایین، در حال تجزیه شدن هستند. البته این تعهد هنوز به پایان نرسیده است، اصلاح- فا به پایان نرسیده است، بنابراین هنوز برای شما فرصتی وجود دارد که دوباره به خوبی عمل کنید. در واقع، تا آنجایی که هنوز یک روز باقی مانده باشد که شکنجه و آزار پایان یابد، آن روز یک فرصت است. از آن به خوبی استفاده کنید، بهتر عمل کنید، زودتر برگردید، و هیچ فرصتی را از دست ندهید. اشتباهات گذشته‌تان را شرح و بسط ندهید- اگر اشتباهاتی کرده‌اید، پس، از حالا به بعد خوب عمل کنید. به چیزهایی که اتفاق افتاده است فکر نکنید. به این فکر کنید که از حالا به بعد خوب عمل کنید، و واقعاً نسبت به خودتان و موجودات ذی‌شعور مسئول باشید.

مایلم نکته‌ی دیگری را یادآوری کنم. وقتی که بعضی از شاگردان مان در کارهای‌شان اختلاف نظر دارند، دوست دارند به اعضای خانواده‌ی من تلفن بزنند و نظرات آن‌ها را بپرسند. بگذارید به شما بگویم که اعضای خانواده‌ی من نیز تزکیه کننده هستند، و آنها نیز لزوماً نمی‌توانند در تمام مدت در امور به‌درستی قضاوت کنند. آنها نیز ممکن است کار اشتباهی انجام دهند یا چیز اشتباهی بگویند- آنچه که آنها می‌گویند فا نیست. چنان کارهایی را دیگر انجام ندهید. فرصت‌های بنا نهادن تقوای عظیم خودتان و پیشرفت در تزکیه‌تان را کنار نزنید. در مدت اصلاح- فا هر شخص در حال پیمودن راه خودش است، و این تاریخی است که هر مرید دافا خلق می‌کند.

همه‌ی آنچه که می‌خواهم بگویم این است. بعد اگر سؤال بیشتری دارید، می‌توانید بپرسید.

سؤال: چرا استاد اغلب مریدان خردسال را برای انجام امور در آسمان‌ها دارد؟

معلم: زیرا آنها عقاید شکل گرفته‌ی اکتسابی که بزرگسالان دارند را ندارند، طبیعت آنها پاک است، و انرژی که بیرون می‌فرستند تحت تأثیر مردم عادی قرار نمی‌گیرد. از نقطه نظر دیگر، حد توانایی‌هایی فرد با سنش به عنوان یک فرد عادی محدود نمی‌شود.

سؤال: در محیط هنگ‌کنگ جایی که مردم با پول و ثروت مادی ذهن‌شان مشغول است چگونه می‌توانیم کمک کنیم تا آن‌ها را کسب کنند؟

معلم: شما میدان دافا هستید، و شما در حال نجات موجودات ذی‌شعوری هستید که توسط دروغ‌های اهریمن مسموم شده‌اند. مادامی که شخص علیه دافا نیست، وقتی که فای دنیای بشری را اصلاح می‌کند او می‌تواند خطر از بین رفتن را از سر بگذراند. اما راجع با آن موجوداتی که سعی در صدمه زدن به فای نداشته‌اند ولی خوب نیستند، یا خیلی خوب نیستند، در حال حاضر در مورد آنها کاری انجام نمی‌دهیم. دلیل این است که در مرحله‌ی بعدی هنوز افرادی خواهند بود که تمرین تزکیه کنند و موجودات ذی‌شعور در مرحله‌ی بعدی هنوز لازم است در زمانی که فای دنیای بشری را اصلاح می‌کند، وضع خودشان را روشن کنند. در حال حاضر تمرکز نجات ما بر آن افرادی است که ذهن‌شان توسط دروغ‌های شیطان مسموم شده است. در حالی که موجودات ذی‌شعور را نجات می‌دهیم فقط آن موجودات بی‌نهایت اهریمنی مورد هدف نابودی قرار می‌گیرند، زیرا به فای صدمه می‌زنند. موجودات بسیار دیگری وجود دارند که در همان سطح آن‌ها هستند و لیکن قصد صدمه زدن به فای را نداشته‌اند، و در این کار شرکت نکرده‌اند - عملی درباره‌ی آنها انجام ندهید. چرا؟ مرحله‌ی بعدی اصلاح - فای نیز برای کسانی که سعی در صدمه زدن به فای نداشته‌اند فرصتی خواهد شد. و هم‌زمان مردم مرحله‌ی بعدی هنوز لازم است خودشان را تزکیه کنند. این چیزها قسمتی از مرحله‌ی بعد هستند.

آنچه که میدان دافا امروز باید انجام دهند این است که در قبال دافا مسئول باشند. کاری به امور در جامعه‌ی مردم عادی نداشته باشید. زمانی که آشکارسازی حقیقت می‌کنید چیزهای سطح بالا نگویید؛ مسئله‌ی اصلی این نیست که بگذارید مردم بفهمند فای پرمحتوا و سطح بالا چیست. بسیار خوب، افرادی که به طور ویژه‌ی خوب هستند یک استثناء هستند، می‌توانید به آنها درباره‌ی آن بگویید. ولی وقتی برای یک فرد عادی آشکارسازی حقیقت می‌کنید، فقط به آنها بگویید که ما شکنجه و آزار می‌شویم و این که ما فقط تمرین‌ها را انجام می‌دهیم و سعی می‌کنیم افرادی خوبی باشیم، و آنها قادر خواهند بود آن را درک کنند. بعد از آن که آنها حقیقت را بدانند، مردم می‌بینند تمام تبلیغات دروغ است، و آن‌ها به‌طور طبیعی می‌بینند که آن چقدر پست و اهریمنی است. بعد از آن که مردم آگاه می‌شوند، ناراحت می‌شوند "چه‌طور یک دولت می‌تواند مثل یک دسته آدم‌کش عمل کند؟ شما به‌طور بدی آزار و شکنجه شده‌اید، و فقط برای آن که سعی دارید که افراد خوبی باشید شکنجه می‌شوید." وقتی با مردم صحبت می‌کنید فقط ساده‌ترین افکار را به کار برید. نه تنها قادر به پذیرفتن و درک آن می‌شوند، بلکه احتمال آن نیز کمتر است که درک اشتباهی داشته باشند. اکنون شما برای این مدت طولانی تزکیه کرده‌اید، و درک شما از فای بسیار عمیق است. اگر درباره‌ی درک سطح بالایتان از فای صحبت کنید، برای مردم عادی درک آن سخت خواهد بود، و بسیار احتمال دارد درک اشتباهی را برداشت کنند؛ فقط بعد از یک روند طولانی در تزکیه، شما به این درک سطح بالای امروز رسیده‌اید. شما می‌خواهید مردم چیزهایی به آن سطح بالایی را فوراً درک کنند، ولی آنها قادر نخواهند بود، بنابراین با آنها خیلی سطح بالا صحبت نکنید. حتی زمانی که به مردم مذهبی آشکارسازی حقیقت می‌کنید، نباید در سطحی بالا صحبت کنید. فقط درباره‌ی شکنجه و آزاری که ما تحمل کرده‌ایم صحبت کنید. اگر آنها نمی‌خواهند درباره‌ی دیگر باورهای معنوی بشنوند، درباره‌ی باورهای معنوی با آن‌ها صحبت نمی‌کنیم؛ به آنها بگویید که ما فقط تمرین‌ها را انجام می‌دهیم. امروزه

بسیار سخت است که مردم را نجات داد. شما مجبورید چیزها را با دنبال کردن منطق وابستگی‌هایشان توضیح دهید. به‌خاطر نجات دادن آن‌ها، موانعی را برای آن‌ها فراهم نکنید.

سؤال: من مریدی هستم که فقط چند ماه پیش فا را کسب کرده‌ام. چگونه فرقی با آن مریدانی که قبل از ۲۰ جولای ۱۹۹۹ فا را کسب کرده‌اند دارم؟

معلم: نیروهای کهن تربیتی دادند که بعضی از مریدان دافا در زمان شکنجه و آزار وارد دافا شوند. آن‌ها فکر می‌کنند که اگر کسی در مدتی که شکنجه و آزار بسیار شدید است وارد شود، تقوای عظیمش مستقیماً صعود می‌کند. ولی بعضی از افراد هم که بخشی از گروه بعدی برای رسیدن به کمال هستند وجود دارند که در این گنجانده نمی‌شوند، بنابراین همین الان مشکل است گفته شود که افراد در کدام موقعیت قرار دارند. هرچه که باشد اینکه شما فا را کسب کرده‌اید خوب‌ترین و خوب‌ترین چیزهاست، بنابراین باید این دوره‌ی زمانی را خوب به کار ببرید، خودتان را به راستی تزکیه کنید و واقعاً فا را کسب کنید، و در تزکیه صعود کنید. هر کسی نمی‌تواند فا را کسب کند، و نه هر کسی می‌تواند وارد شود، زیرا این فای بزرگ عالم هستی است. قبلاً وقتی فا را آموزش می‌دادم، چرا نیروهای کهن تعداد افرادی را که می‌بایست فا را در دوره‌ی اول کسب کنند درست به ۱۰۰ میلیون نفر محدود کردند؟ حتی این ۱۰۰ میلیون نفر در نتیجه‌ی پافشاری من بود. در آن زمان، تعدادی که آن‌ها آن‌را محدود کردند ۷۰ میلیون نفر بود، درحالی که من ۲۰۰ میلیون نفر می‌خواستم. آن‌ها می‌دانستند که اگر ۲۰۰ میلیون نفر بودند که در دوره‌ی اول، فا را کسب می‌کردند، آن‌ها قادر نمی‌بودند این به اصطلاح "امتحان" پلید را انجام دهند، بنابراین آن‌ها آن را به ۱۰۰ میلیون نفر محدود کردند. تعداد بسیار زیادی از این گروه افراد، درست زمانی فا را کسب کردند که آن‌ها نمی‌توانستند بیشتر از این، برای شروع کردن به اصطلاح محنت و رنج صبر کنند. برای این افراد این غیرمنصفانه بود. آن تعداد از شما که فا را اخیراً کسب کردید، به شما نگفتم که به چه گروهی تعلق دارید. شما هم نباید به آن فکر کنید. درست آن‌چه را که قرار است انجام دهید، انجام دهید.

سؤال: سلام، استاد، مایلم سؤالی بپرسم، یعنی در یکی از مقالات جدیدتان درباره‌ی "احیا کردن سه دامنه" صحبت می‌کنید. مرید شما آن را نمی‌فهمد. لطفاً ممکن است آن را توضیح دهید.

معلم: در واقع، افراد هم‌سن شما باید بدانند. آن‌هایی که در گذشته توسط معلم خصوصی تحصیل کرده بودند یا قبل از ۱۹۵۰ به مدرسه رفتند همگی [متن] کلاسیک سه‌کلمه‌ای^۱ را در مدرسه‌شان خوانده‌اند. در [متن] کلاسیک سه‌کلمه‌ای، و در فرهنگ چین، همیشه مفهوم سه دامنه وجود داشته است. در عقیده‌ی دائوئیستی هم از آن بسیار نام برده شده است. "سه دامنه" در واقع به آسمان‌ها، زمین، و انسان اشاره می‌کند. "احیا کردن سه دامنه" به [به‌وجود آمدن] آسمان‌های جدید، زمین جدید، و انسان جدید اشاره می‌کند.

سؤال: سلام استاد، مایلم سؤالی بپرسم. اندیشه‌ی فکری کنفوسیوس بر هر یک از سلسله‌های چین تأثیر گذاشته است. بنابراین مایلم بپرسم که رابطه‌ی بین اندیشه‌ی فکری کنفوسیوس و رواج دافا در چین چیست.

معلم: کنفوسیوس، همان‌طور که درباره‌اش گفته‌ام، فقط یک بنیاد فکری برای بشر را پایه‌ریزی کرد- فقط همین. اجازه داد مردم بدانند هدف طلایی چیست و چیزهای خاصی را که انسان‌ها می‌بایست باور کنند و پیروی کنند، مثل نیک‌خواهی، یی، رعایت آداب، آموختن، یادگرفتن، امین بودن، و حد آن تا همین مقدار است. فرهنگ هر دوره‌ی بشری درحال پایه‌گذاری بنیانی برای تفکری بود که انسان‌ها زمانی که فا را

به دست می آورند باید داشته باشند، در پایان، به آن‌ها اجازه دهد وقتی که فا را کسب می کنند، فا را دریابند و فا را درک کنند.

سؤال: این روزها بسیاری از کارهای دافا را انجام می دهیم و وقت مان بسیار تنگ و تضمین انجام هر روز دو ساعت تمرین را بسیار مشکل می یابیم. نمی دانم آیا درست است کمتر تمرین کنیم؟

معلم: مریدان دافا، استاد گفته است که شما سخت کار کرده اید - شما واقعاً سخت کار می کنید. دل این را ندارم که این روزها به طور مشخص به شما بگویم کاری انجام دهید. می دانم بسیاری افراد در به دوش گرفتن انجام بسیاری از کارها پیش قدم شده اند، و حتی هر روز بسیار کم می خوابند، و مجبور هم هستند به سر کار بروند- واقعاً بسیار سخت است. ولی هرچقدر هم که سخت باشد، فکر می کنم شما هنوز باید زمانی برای مطالعه ی فا و انجام تمرین ها پیدا کنید. فکر می کنم که یک تزکیه کننده نمی تواند بدون انجام دادن تمرین ها ادامه دهد. اگرچه انجام تمرین ها برای رشد شما، فقط تکمیلی است، اما آن نیز بخشی از فا است، و به تمام تغییرات در بدن تان وصل است. البته اگر خیلی کارها دارید که انجام دهید و خیلی مشغول هستید، و کمتر تمرین می کنید، یا برای چند روز اصلاً تمرین نمی کنید، اشکال ندارد بعداً آن را جبران کنید. اگر واقعاً بسیار مشغول هستید و واقعاً وقت کمی برای انجام تمرین ها دارید، استاد راه هایی نیز دارد که آن را برای شما انجام دهد. ولی فکر می کنم که کمی مشغول بودن شما و تحمل کمی سختی تقوای عظیم مرید دافا است. در آینده هنگامی که به عقب نگاه کنید، آن را فوق العاده خواهید یافت!

سؤال: چگونه بالاترین موجودات در عالم هستی آفریده شدند؟

معلم: در آینده بالاترین فا را به شما آموزش خواهم داد. درباره ی این که عالم هستی چگونه موجودیت یافت صحبت خواهم کرد، و این سؤال آن وقت مورد بحث قرار خواهد گرفت. الان صحبت درباره ی آن کمی زود است.

سؤال: وقتی فا را مطالعه کردم درباره ی این که افراد در آسمان ها هر ۵۰۰ سال دوره ی بازپیدایی را طی می کنند و آنهایی که در زمین هستند هر صد سال بازپیدایی را طی می کنند خواندم. موضوع چیست؟

معلم: سه قلمرو، پایین ترین قلمرو در عالم هستی است، سه قلمرو به سه سطح تقسیم شده است، بنابراین سه قلمرو نامیده می شود. داخل هر سطح، سه سطح آسمان های بزرگ وجود دارد، بنابراین روی هم نه سطح از آسمان وجود دارد. و این نه سطح از آسمان ها به بسیاری از آسمان های کوچک تر تقسیم می شوند، بنابراین بعضی از افراد آنها را سی و سه سطح از آسمان ها می نامند، ولی در واقع تعداد بیشتری وجود دارند. هر موجود در این حوزه، از دوره ی بازپیدایی عبور می کند، درحالی که موجودات خارج از سه قلمرو دوره ی بازپیدایی را طی نمی کنند. موجودات در سه قلمرو مدت حیات نسبتاً کوتاهی در هر دوره ی زندگی دارند: مردم روی زمین فقط چند دهه زندگی می کنند، موجودات در یک سطح بالاتر می توانند ۲۰۰ تا ۳۰۰ سال زندگی کنند، و آنهایی که در بالاترین سطح هستند برای حدود ۱۰۰۰ سال می توانند زندگی کنند. ولی سال ها هرچقدر هم که باشد، آنها باید عاقبت پایین بیفتند و دوباره بازپیدایی را طی کنند. وقتی موجودی به فراتر از سه-قلمرو می رود او دیگر دوره ی بازپیدایی را طی نخواهد کرد.

سؤال: وقتی بازنگری های تازه از کتاب های دافا وجود دارد، کدام نسخه را باید دنبال کنیم؟^۱

معلم: وقتی کلمات غلطی را پیدا می کنیم لازم است تجدید نظر شود. با حضور استاد در این جا، فا نمی تواند دست کاری شود. برای کتاب های چینی، آن چه را که اخیراً در تایوان چاپ شد را دنبال کنید.

سؤال: فکر می‌کنم سیستم جاری مدارس بیشتر و بیشتر از حقیقت، نیک‌خواهی و بردباری، منحرف می‌شود. انگار به بچه‌ها آموزش می‌دهند که ربات باشند، آزادشان می‌گذارند، به آنها اصول و افکار این‌که چگونه رفتار کنند را آموزش نمی‌دهند، بر تقوا تأکید نمی‌کنند، و نیک‌خواهی (شن) و بردباری (رن) را آموزش نمی‌دهند، بنابراین نمی‌خواهم بچه‌ام را به مدرسه بفرستم. می‌خواهم او را در خانه نگه‌دارم و خودم به او آموزش دهم. آیا خیلی زیاده‌روی می‌کنم. امیدوارم در آینده مدارس دافا وجود داشته باشند.

معلم: در حال حاضر وقتی ما را آموزش می‌دهم علوم امروزی را نیز تلفیق می‌کنم، چون بشر امروزه این‌گونه است. اگرچه آموزش‌هایی که امروز در مدارس داده می‌شود نمی‌تواند به بچه‌ها خوب بودن را آموزش دهد و افکار کودکان را آزاد می‌گذارد، اما دانشی که در دسترس است هنوز می‌تواند بعداً به آنها در فهمیدن فا کمک کند. البته بهتر است مدرسی داشت که توسط مریدان دافا اداره می‌شوند، ولی تا وقتی که آنها را داشته باشیم فکر می‌کنم بهتر است بگذارید مقداری دانش کسب کند. و بعد وقتی به خانه می‌آید می‌توانید برایش جوآن فالون را بخوانید و به او یاد دهید که چگونه رفتار کند. این تمام آن چیزی است که می‌توان در حال حاضر انجام داد. دوره‌ی گذر کوتاه خواهد شد.

سؤال: چرا بازنگری‌های بسیاری برای کلمات در مقالات جدید صورت گرفته است؟

معلم: درخصوص شش مقاله‌ای که اخیراً چاپ شد، آنها را از طریق تلفن مطلع کردم؛ من دیکته کردم و وبسایت مینگ‌هوپی آنها را نوشت، بنابراین اشتباهاتی وجود داشت. معمولاً بعد از آن که به مینگ‌هوپی می‌گویم مقاله‌ای را چاپ کند آن را دوباره چک نمی‌کنم، و فقط وقتی بعضی افراد چیزی را متوجه می‌شوند و از من درباره‌ی آن می‌پرسند آن وقت به آن نظری می‌اندازم. اصولاً این به این دلیل اتفاق افتاد که من مشغول بودم و زمان برای رسیدگی کردن نداشتم.

سؤال: من از کشور کره هستم. درک من این است که همه در دافا برابر هستند. ولی بسیاری از شاگردان جدید تفاوت‌های فرهنگی دارند. ممکن است کمی درباره‌ی این صحبت کنید.

معلم: در واقع وقتی جوآن فالون به زبان‌های مختلف ترجمه می‌شود بر درک شما از فا در سطح ظاهری اثر نمی‌گذارد. در مدت دوره‌ی تزکیه، به‌خصوص، معنای درونی فا در ظاهر کلمات متجلی نمی‌شود. همان‌طور که پیوسته به خواندن کتاب ادامه می‌دهید، درمی‌یابید که مرتباً درک‌های جدیدی از اصول فا دارید و اصول فا را بیشتر می‌فهمید. در واقع این‌طور است که فا خرد شما را به‌ظهور می‌رساند. بنابراین رشد شما تحت تأثیر قرار نمی‌گیرد. در سرزمین چین بسیاری از افراد مسن که باسواد نبودند یاد گرفتند چطور از طریق مطالعه‌ی فا بخوانند، و رشد آنها هم تحت تأثیر قرار نگرفت.

سؤال: بعضی از شاگردان جدید موانع فرهنگی دارند و قادر به درک فا نیستند.

معلم: شاگردان جدید کم‌کم فا را خواهند فهمید. به آنها چیزهایی که خیلی سطح بالا هستند نگوید. فقط درباره‌ی آنچه که در سطح و ظاهر است صحبت کنید، مثل این‌که چگونه شین‌شینگ‌تان را بهبود بخشید و چگونه خوب شوید و سالم باقی بمانید. با گذشت زمان آنها با خواندن بیشتر کتاب، فهم و درک خودشان را حاصل می‌کنند.

سؤال: بسیاری از غربی‌ها تمرین‌ها را از ما یاد گرفته‌اند، شامل افرادی از گروه‌های سنی مختلف. آیا می‌توانیم نوارهای موسیقی تمرین را درست کنیم که شبیه نوارهای سخنرانی فا هستند، این‌طور که در آنها دستورهای استاد حفظ شود ولی ترجمه‌ی انگلیسی اضافه کنیم؟

معلم: بله، می‌توانید. ولی فرمول‌ها را ترجمه نکنید. فرمول‌ها آن چیزهایی هستند که مردم عادی به عنوان ورد به آن اشاره می‌کنند. صدا و تجلی هر کلمه در بدن‌های کیهانی معین تأثیری متقابل دارد. وقتی که ترجمه می‌شود اصوات صحیح و عوامل درونی گم می‌شوند.

سؤال: می‌خواهم درباره‌ی چیزی سؤال کنم. فکر می‌کنم این تقریباً چیزی عمومی است، یعنی، فکر می‌کنم که بسیاری از مریدان دافا وقتی برای رواج دادن دافا بیرون می‌روند احساس کاملاً خوبی دارند و ارتباط گرفتن با افراد دیگر را بسیار آسان و راحت می‌یابند. ولی محنت‌های‌شان در خانه به‌نظر بسیار بزرگ می‌رسند. برای مثال، بعضی از همسران افراد واقعاً آنها را درک نمی‌کنند. برای مثال والدین خودم. آنها مقام‌های اجتماعی معینی در چین دارند، بنابراین خودشان را تحت فشار زیادی می‌بینند. فکر می‌کنم بسیاری از خویشاوندان مریدان دافا در چین فکر می‌کنند که دافا خوب است، ولی آنها فکر می‌کنند که ممکن است ما در خارج از چین با خطراتی روبه‌رو شویم. ولی فکر می‌کنم که این خویشاوندان مریدان دافا نیز بعضی رنج‌ها و سختی‌هایی را متحمل شده‌اند. می‌خواهم بدانم وقتی که فای دنیای بشری را اصلاح می‌کند چه بر سر آنها خواهد آمد؟

معلم: این وابستگی‌ها باید رها شود. فای اعمال تمام موجودات ذی‌شعور را در این زمان ارزیابی می‌کند. اگر کسی به فای صدمه نزده است آن وقت مشکلی نیست. ولی اگر کسی افکار بد درباره‌ی دافا دارد، آن‌گاه از نقطه‌نظر نجات تمام موجودات ذی‌شعور، شما باید اول چیزها را به اعضای خانواده‌تان توضیح دهید، باید بهترین تلاش‌تان را برای توضیح امور به آنها بکنید و کمک‌شان کنید که از آن افکار رهایی یابند.

سؤال: بعد از این کنفرانس فای اجرا خواهد بود و بعضی از مردم عادی حضور پیدا می‌کنند. آیا می‌توانیم آوازه‌هایی از جامعه‌ی عادی را که نسبتاً درست و پاک هستند بخوانیم؟

معلم: افراد عادی می‌توانند برای شنیدن اجرای ما بیایند- ما تمام موجودات ذی‌شعور را نجات می‌دهیم. آنها حتی اجازه دارند به کنفرانس‌های فای ما بیایند و بشنوند. صحبت‌های گفته شده توسط شاگردان در مدت کنفرانس برای آنها مفید هستند. بنابراین، این مسئله‌ای نیست. درباره‌ی این که آوازه‌های مردم عادی می‌تواند در محل سالن‌های دافای ما خوانده شود، جواب خیر است. (تشیویق) چرا خیر؟ اگر شما در اجرایی در جامعه‌ی عادی شرکت کنید - یعنی، اگر مریدان دافا در یک نوع از اجرای مردم‌عادی‌گونه شرکت کنند- تا جایی که آواز چیز بدی نداشته باشد و اصلاً سیاسی نباشد، آن وقت اهمیتی ندارد. ولی اگر تماماً کنسرت دافای خود ما باشد، فکر می‌کنم که ما باید آن را درست‌تر و پاک‌تر بسازیم. وقتی توسط دافای ما برنامه‌ریزی و ترتیب داده نشده باشد، آن وقت مسئله‌ای نیست. شما باید به‌روشنی تمیز دهید. سؤال کردید که آیا اشکالی ندارد وقتی آواز درست و پاک باشد. در حال حاضر برای شما مشکل است که بدانید آیا آهنگ‌ساز در شکنجه و آزار دافا شرکت داشته است؟ از کجا می‌دانید که او آوازه‌هایی را که دافا را در چین شکنجه و آزار می‌دهد نوشته است؟ شما در حال حاضر نمی‌توانید این را قضاوت کنید. اگر آهنگ‌ساز مرید دافا است و آهنگ به هیچ وجه سیاسی نیست، آن وقت خوب است. ولی در حال حاضر سنجش این چیزها سخت است.

سؤال: اگر شاگردان در چین برای رواج دافا بیرون بروند، آنها قطعاً دستگیر می‌شوند ولی اگر فای رواج ندهند، می‌ترسند که بر سطوح آنها در دوره‌ی اصلاح- فای تأثیر بگذارد. چگونه مریدان در سرزمین چین باید این را اداره کنند؟

معلم: هیچ‌کدام از این دو طرز فکر درست نیست. اگر فردی برای رواج دافا بیرون نرود، می‌ترسد که سطحش تحت تأثیر قرار گیرد، می‌ترسد که آن بهبودش را تحت تأثیر قرار دهد و می‌ترسد که کمالش را

تحت تأثیر قرار دهد. او از این چیز می‌ترسد، از آن چیز می‌ترسد - به‌جای آن که به آن چیزها به عنوان یک مرید نگاه کند. مریدان دافا قطعاً باید به فا اعتبار بخشند، و باید موجودات ذی‌شعور را نجات دهند. دقیقاً به‌خاطر این وابستگی‌های عادی بشری است که مشکلات مستعد رخ دادن هستند - این دلیل آن است که چرا بسیاری مشکلات رخ داده‌اند.

من کاملاً از وضعیت در چین آگاهم - کاملاً باخبرم. اگر یک مرید دافا به فا اعتبار نبخشد، فکر نمی‌کنم درست باشد. نمی‌توانم چیزها را خیلی مشخص مطرح کنم. بسیاری چیزها ترتیبات نیروهای کهن هستند. بیشتر از این، آنها را با جزئیات زیادی ترتیب داده‌اند، و تجلیات بسیار پیچیده هستند. وضعیت در چین بسیار درهم و برهم به‌نظر می‌رسد، درحالی‌که در واقع بسیار منظم است.

دو موقعیت وجود دارد که آنها نمی‌توانند بر مریدان دافا دست بزنند. یکی این است که او مثل صخره محکم و سخت باشد. آن‌ها جرأت دست زدن به او را ندارند، زیرا در آن وقت می‌دانند که اگر این مرید راه پارسایی و درست را برگزیده باشد و خوب رفتار کرده باشد و هنوز کسی جرأت کند او را شکنجه و آزار رساند، مهم نیست که آنها نیروهای کهن هستند یا اصول کهن هستند - من مسلماً آن را عفو نخواهم کرد. خدایان عادل بی‌شماری نیز در کنار من وجود دارند! همچنین بدن‌های قانون بی‌شماری دارم که اصلاح - فا را انجام می‌دهند. تنها نگرانی من این است که مریدان خودشان در درون استوار نباشند، وقتی نوعی از وابستگی وجود دارد، نوعی از ترس، یا هر چیز دیگر، آن وقت نیروهای کهن آن را می‌بینند و از آن غفلت‌ها بهره‌برداری می‌کنند و آن‌ها را شکنجه می‌کنند. و اگر افکار درست فرد هنگامی که شکنجه و آزار می‌شود به‌قدر کفایت نباشد، حتی بدتر شکنجه می‌شود. همیشه مورد این است. همچنین مقدار بسیار زیادی از این شاگردان کسانی هستند که در تاریخ با من مستقیماً رابطه‌ی کارمایی بنا نهاده بودند. در این زمان هنگامی که فا انتشار داده می‌شود درب کاملاً باز است، و نیروهای کهن قادر نبودند از ورود آن‌ها جلوگیری کنند. ولی اکثریت بیشتر این شاگردان خوب رفتار کرده‌اند. آن‌ها جرأت ندارند آن‌هایی را که در تاریخ رابطه‌ی کارمایی برقرار کرده‌اند به‌طور بدی شکنجه کنند، زیرا این شاگردان قبلاً در تاریخ مثل همین رنج را کشیده‌اند. اگر هر مرید دافا - فرق نمی‌کند که به کدام گروه تعلق دارد - قادر می‌بود به خوبی عمل کند، این شکنجه و آزار خیلی پیش به پایان می‌رسید. صحبت از این که قادر باشید به خوبی عمل کنید، گفتنش از عمل کردنش آسان‌تر است - این‌طور نیست که من به همه بگویم که باید آن‌طور عمل کنند و آن وقت قادر باشند آن‌طور انجام دهند. آن از ساختن پایه‌ای محکم در تزکیه می‌آید، و آن از طریق خواندن فا برای زمانی طولانی ساخته می‌شود. در واقع اکثریت بیشتر ما واقعاً خوب عمل کرده‌ایم. آن‌هایی که خوب عمل نکرده‌اند از گروه سوم شاگردان هستند. و چون خوب عمل نکرده‌اند، شکنجه و آزار حتی بیشتر سخت و شدید شده است، سبب می‌شود وضعیت دافا این‌طور به نظر برسد که فوق‌العاده خطرناک و شریرانه شکنجه و آزار می‌شود. در واقع مهم نیست شخص به کدام گروه تعلق دارد، استاد با همه به یکسان رفتار می‌کند. زمانی که ما درباره‌ی کنار گذاشتن فکر مرگ و زندگی در خارج سرزمین چین صحبت می‌کنیم، قطعاً متفاوت است از وقتی که شاگردان در آن نوع محیط زیر آن نوع فشار، در آن نوع وضعیت درباره‌ی رها کردن فکر مرگ و زندگی صحبت می‌کنند. نمی‌خواهم در مورد این چیزها زیاد صحبت کنم، اگر در آن محیط، آن‌ها واقعاً بتوانند فکر مرگ و زندگی را رها کنند، وضعیت متفاوت خواهد بود. برای مثال بعد از آن که بعضی از مریدان دافا دستگیر می‌شوند، قادرند آرامشی تکان‌نخوردنی را حفظ کنند، و هیچ ترسی ندارند. می‌بینید که نیروهای کهن جرأت شکنجه‌ی آنها را ندارند. زیرا آن‌ها می‌دانند که هیچ شکنجه و آزاری اثری نخواهد کرد مگر آن که تاحد مرگ آن‌ها را شکنجه کنند، بنابراین جرأت دست زدن به آن‌ها را ندارند. چه تعدادی از شاگردان می‌توانند آن‌طور عمل کنند؟ آن‌گونه استوار بودن‌شان در دافا اهریمن را وحشت‌زده می‌کند. در مقایسه، آن‌هایی که وابستگی بشری‌شان بسیار قوی است و دافا را عمیقاً

نخوانده‌اند رنج‌های بسیاری را برای خودشان فراهم کردند که نمی‌بایستی تجربه می‌کردند. بعضی از آن‌ها به اصطلاح "توبه‌نامه" نوشته‌اند یا چیزهایی را امضاء کرده‌اند. چون من این شکنجه و آزار را نمی‌پذیرم، قبل از آن که این تعهد به پایان برسد به آن‌ها فرصت‌های بیشتری می‌دهم. از رفتار و عملکرد بیشتر شاگردان، بعد از آن که شکنجه شده‌اند دیده‌ام که با متانت و منطق بیشتر، جدیت دافا و تزکیه را درک می‌کنند، در عین حال، جدیت آزار و شکنجه را با وضوح بیشتر می‌بینند، و امور را دیگر آن‌طور که قبلاً عمل می‌کردند، با وابستگی‌های بشری زیادی انجام نمی‌دهند. آن‌ها به تدریج آن وابستگی‌ها را رها کرده‌اند، بنابراین کارهایی که انجام می‌دهند پاک‌تر و درست‌تر و بهتر و بهتر هستند. آن‌ها بیشتر و بیشتر محکم‌تر و استوارتر و عاقل‌تر شده‌اند. فقط به ظاهر شکنجه و آزار نگاه نکنید، زمانی که فایده بشری را اصلاح می‌کند تمامی حقیقت جلوی چشمان مردم آشکار می‌گردد. مریدان دافا در سرزمین چین به‌راستی فوق‌العاده‌اند.

سؤال: من دو سؤال دارم. یکی این است که خانواده و دوستان بعضی از مریدان دافا در خارج چین قبلاً تمرین می‌کردند. ولی بعد از آن که شکنجه و آزار شروع شد آن‌ها کم‌کم تمرین را رها کردند. آن‌ها می‌خواهند بدانند حالا چه کار باید بکنند. سؤال دیگر این است که بعضی از مریدانی که بسیار کوشا هستند هنوز بعضی از اوقات به نظر می‌رسد که کارمای بیماری نسبتاً جدی را تجربه می‌کنند. می‌خواهند بدانند که آیا این کارمای خود آن‌ها است یا اهریمن در حال صدمه رساندن است. چگونه باید از عهده‌ی این برآیند؟

معلم: در مورد سؤال اول، آنچه می‌خواهند انجام دهند به خودشان مربوط است - واقعاً به خودشان مربوط می‌شود. در مورد سؤال دوم، وقتی که با چیزی مواجه می‌شوید اول به خودتان نظر بیندازید - این بزرگترین صفت مشخصه‌ای است که مریدان دافا را از مردم عادی جدا می‌کند. اگر ما واقعاً از جانب خودمان مشکلی نداریم، آن‌گاه آن باید شکنجه و آزار اهریمن بر مریدان دافا باشد، در مدت این اصلاح - فایده، مخصوصاً، کارمای مریدان دافا دیگر مسئله‌ای نیست، شما باید هوشیارانه و به روشنی شکنجه و آزار موجودات پلید را تشخیص دهید. آنها واقعاً کارهای بدی انجام می‌دهند. بهترین این است که مریدان دافا راه خودشان را به‌درستی طی کنند و اجازه ندهند اهریمن هیچ بهانه‌ای برای شکنجه‌ی شما به دست آورد.

سؤال: نمی‌توانم کمی تصور کنم که عالم جدید شبیه چیست؟

معلم: بشریت نیز از میان تغییراتی خواهد گذشت. عالم هستی در حال تغییراتی است، تمام راه تا به پایین تا به انسان. کیهان جدید در حال بی‌عیب و نقص ساختن تمام انواع عناصری است که کیهان کهن [در آن‌جا] ناکامل است. عالم جدید کامل‌تر است، این چیزی است که اصلاً نمی‌توانست در گذشته بدون به کار بردن اصلاح - فایده برطرف شود. در گذشته هر زمان که یک چرخه از عالم به اندازه‌ی کافی دیگر خوب نبود، تجزیه می‌شد، دوباره آفریده می‌شد، و شروع به دوباره توسعه یافتن می‌کرد؛ وقتی بد می‌شد فقط دوباره آفریده می‌شد. از آغاز زمان تا به حال، اصلاح - فایده برای اولین بار در عالم هستی عظیم‌الجثه در حال رخ دادن است. بنابراین من از این فرصت اصلاح - فایده برای تغییر چیزهای بسیاری استفاده کردم. نمی‌توانم درباره‌ی این چیزها صحبت کنم. اما می‌توانم به شما بگویم که چون بشر بخشی از عالم هستی است و چون دافا در اینجا منتشر شده است ... در گذشته نژاد انسان در این‌جا وجود نداشت، مهم نیست چند بار زمین بعد از خرد شدن دوباره ساخته شده بود، موجودات اصلی این‌جا همیشه شکل و ظاهر موجودات فضایی را داشتند. در هر زمان شکل‌های ظاهری‌شان بسیار متفاوت بود، ولی هیچ‌کدام از آنها شکل ظاهری و سیستم داخلی انسان‌ها را نداشتند، چه رسد به ذهن انسان. اما انسان‌های امروز برای انتشار دادن دافا خلق شدند. بنابراین بعد از آن که افرادی که علیه دافا گناه کرده‌اند از بین برده شوند، افرادی که

باقی می‌مانند برکت‌ها خواهند داشت. پس در آینده مردم روی زمین واقعاً شکل انسان‌ها را خواهند داشت. به کلام دیگر، نژاد انسان آینده واقعاً در مرحله‌ی بعدی شروع می‌شود. شکل حیات در این زمان برای انتشار دافا خلق شد، در آینده بوداها، داتوها و خدایان باز هم به زمین برای نجات افراد به پایین خواهند آمد، موجودات ذی‌شعور هنوز هم قادر به شنیدن فای خواهند بود، و موجودات ذی‌شعور دوباره نجات داده می‌شوند. ولی چیزهایی مثل این که خدایی برای نجات مردم بیاید و به صلیب کشیده شود هرگز دوباره رخ نخواهد داد.

سؤال: می‌خواهم درباره‌ی این بیرسم، بعضی اوقات وقتی که آشکارسازی حقیقت می‌کنیم اشخاص تاریخی مطرح می‌شوند، به دلیل آن که ما درباره‌ی بسیاری از روابط کارمایی نمی‌دانیم، آیا باید در مورد چیزهای معین بیشتر محتاط باشیم؟

معلم: در مدت اصلاح- فای، شما فقط با کلام انسان و با نکاتی که می‌تواند به‌طور عمومی توسط انسان درک شود به فای اعتبار می‌بخشید. آن را درست بر طبق آنچه که انسان‌ها می‌توانند این روزها به‌عنوان خوب و بد، یا درست و غلط بدانند انجام دهید، هر کسی را که در تاریخ نام ببرید مسئله‌ای نیست.

سؤال: مایلم فقط درباره‌ی آنچه که شما اکنون درباره‌ی وضعیت شاگردان سرزمین چین گفتید که کاملاً خوب هستند چند نمونه بدهم. از آنچه جمع‌آوری کردم، تقریباً تمام خویشاوندان و دوستانم که با آن‌ها ارتباط قرار گرفته‌ام واقعاً پایدار هستند. بعضی از آن‌ها به تیان‌آن‌من با رفتاری باز و موقرانه رفتند. صبح زود رفتند و غروب برگشتند. صبح سوار هواپیما شدند و غروب با هواپیما برگشتند. آن‌ها نه تنها فریاد زند "فالون دافا خوب است!" بلکه همچنین پرچم‌هایی را بلند کردند، و برایشان هیچ اتفاقی نیفتاد. همچنین فرد پیری وجود دارد که نود و چند ساله است و هر روز برای پخش دافا بیرون می‌رود و برای او هیچ اتفاقی نیفتاده است. به‌هرحال آن‌ها بسیار محکم و استوار هستند. فقط یک نفر را می‌شناسم که دستگیر شده است. ولی بسیار خوب رفتار کرده است. از طریق صحبت با آنها می‌توانم حس کنم که موقعیت عالی است. آنها به من گفتند: "خوب است، ما خیلی خوب عمل می‌کنیم." بعد از شنیدن آن احساس خوبی کردم.

معلم: وضعیت الان این‌طور است. زیرا دیگر آن تعداد موجودات پلید برای این که نیروهای کهن به‌کار برند وجود ندارند. به‌محض این که می‌بینند مریدان دافا افکار درست می‌فرستند، فرار می‌کنند. وقتی شما به کنسول‌گری‌های چین برای دادخواست می‌روید، کنسول‌گری‌ها به نظر می‌رسد واقعاً می‌ترسند. در واقع این‌طور نیست که انسان‌ها می‌ترسند، بلکه آن اهریمن‌هایی که انسان‌ها را تحت نفوذ خود قرار می‌دهند می‌ترسند. وقتی در این‌جا در این بُعد بشری متجلی می‌شود به‌نظر می‌رسد که واقعاً می‌ترسند، درحالی که واقعاً عوامل پلید هستند که می‌ترسند. اگر اهریمن کاملاً نابود شود، و اگر در آن زمان حتی افراد کنسول‌گری بیرون بیایند که فالون‌گونگ را از ما یاد بگیرند، درست برای آن سردسته رذل و پست سیاسی در چین به شدت وحشت‌انگیز خواهد بود. این دلیل آن است که چرا موجودات پلید و اهریمنی بسیار سخت تلاش می‌کنند که آن‌هایی را که در کنسول‌گری کار می‌کنند کنترل کنند، و به‌همه‌ی اموری که اهریمن انجام داده است ادامه دهند. با وجود این، آن‌ها دیگر نمی‌توانند آن را ادامه دهند. در چین به غیر از شهری که سردسته‌ی اهریمن اقامت دارد، در دیگر مناطق، اهریمن هیچ کنترلی بر تمام ناحیه ندارد. موجودات اهریمنی آن‌قدر زیاد از بین برده شده‌اند که تعداد کمی باقی مانده است، و اوضاع و احوال در مناطق بزرگ‌تر در حال بهتر شدن است. اگر شما بر سردسته‌ی اهریمن از نزدیکش افکار درست بفرستید، اهریمن نمی‌تواند به سرعت به دوباره پر کردن و حفاظت از او بپردازد، و آن بی‌چاره آخرین نفسش را خواهد کشید. دلیل این است که، از او هیچ چیز انسانی‌اش باقی نمانده است، و پوست و جلدش کاملاً توسط موجودات اهریمنی نگه‌داری می‌شود- فرستادن افکار درست، آن‌ها را از بین می‌برد. اگر آن دوباره

پرکردن نتواند ادامه پیدا کند می‌افتد و می‌میرد. دفعه‌ی پیش وقتی شاگردان در مالتا در نزدیکی‌اش افکار درست فرستادند، تقریباً غش کرد. موضوع این‌گونه است. آن دیگر هیچ چیز بشری در خودش ندارد. اکنون حواسش را از دست داده و افکار طبیعی بشری ندارد. آن برای ما زنده است. منطق انسانی‌اش کمتر و کمتر منطقی می‌شود. در واقع، کارمندان اداره‌ی کنسول‌گری‌ها در بعضی مناطق هم‌اکنون شروع به بیرون آمدن کرده‌اند و با شاگردان ما تماس برقرار می‌کنند، بعضی‌ها هم درحال حاضر مطالب چاپی ما را بی‌سر صدا و در سکوت گرفته‌اند، و به ما محرمانه گفته‌اند، "کارتان حرف ندارد!" (تثویق) این قبلاً ممکن نبود. چرا این رخ داده است؟ بعد از آن که اهریمنی که مردم را کنترل می‌کرد از بین برده شد، مردم شروع کردند به آرامی فکر کنند. آنها اکنون خودشان تأمل و اندیشه می‌کنند. "فالون‌گونگ دقیقاً چیست؟ چرا آنها این‌گونه در حال آزار و اذیت و شکنجه‌ی فالون‌گونگ بوده‌اند؟" و آن‌ها شکنجه و آزار اهریمنی و تمام دروغ‌هایی که برملا شده‌اند را تشخیص داده‌اند. مردم شوکه شده‌اند، و حالا به‌طور جدی تلاش می‌کنند حقیقت را بدانند.

سؤال: من دو سؤال دارم. ما در برنامه‌های تلویزیونی FGM کار می‌کنیم. چند وقت پیش ما نظراتی از بینندگان دریافت کردیم که می‌گویند برنامه‌ی اخبار ما به‌نظر خیلی خشک می‌آید.

معلم: درواقع فکر می‌کنم که لحن برنامه‌ی شما بسیار خوب است. (تثویق) حس مبارزات طبقاتی^{۱۰} در آن احساس نمی‌شود. نسبتاً خنثی است. حتی اگر لحن بسیار نرم باشد، آن هم خوب نیست. درحقیقت به ایستگاه‌های تلویزیون و رادیو در بسیاری از مناطق گفته‌ام که لحن شاگردان لس‌آنجلس بسیار مناسب است - نه زیاد خشک است، و نه زیاد نرم، بسیار اعتدال دارد. البته این برای ستایش شما نبود - مغرور نشوید، آن‌چه که می‌گویم این است که ما باید بهترین تلاش‌مان را بکنیم که آن را معتدل‌تر کنیم. آن بهتر خواهد بود. مردم عادی همه نوع چیزی می‌گویند، سخت است چیزی را متناسب با هر نوع مذاقی ساخت. بعضی از افراد چیزهای تند را دوست دارند، بعضی از افراد چیزهای ترش را دوست دارند، و بعضی افراد چیزهای شیرین را، ما باید تصویر متعادل را ارائه دهیم، فقط آن را به این شیوه انجام دهید. البته شما می‌توانید کمی طبیعی‌تر و کمی راحت‌تر باشید. وقتی جلوی دوربین قرار می‌گیرید، یک هنرپیشه هستید، بنابراین می‌توانید بهتر کردن ظاهرتان را کمی در نظر بگیرید.

سؤال: سؤال دیگری دارم. علاوه بر ساختن برنامه‌های دافا، تعدادی برنامه از نوع مردم عادی نیز می‌سازیم که هیچ نوع محتوای دافا در آن‌ها وجود ندارد. چگونه می‌توانیم این را به‌درستی توازن ببخشیم. چه مدت از زمان را برای تهیه برنامه‌های دافا به کار ببریم؟ چه مقدار برنامه‌هایی که مربوط به دافا نیست را باید بخش کنیم؟

معلم: این به شما مربوط است که چگونه برنامه‌ریزی کنید، به شما مربوط است که مسائل خاص را چگونه اداره کنید. بعد از آن که با یکدیگر مشورت کردید درست آن کاری را که احساس می‌کنید مناسب است انجام دهید. حقیقت این است که در اعتباربخشی به فافا، در روند آشکارسازی حقیقت [توسط] مریدان دافا، شکل‌هایی که اختیار می‌کنید، روش‌های مختلفی که به کار می‌برید، و تمام چیزهایی که همگی شما انجام داده‌اید بسیار خوب اداره کرده‌اید. فرستادن حتی یک فلایر یا کتابچه به چین، تلفن کردن به آنجا یا فرستادن یک فکس به آنجا یا فرستادن هرگونه اطلاعات را کم‌ارزش نگیرید - تأثیر، بسیار فوق‌العاده و مهم است. و تأثیرش در ترساندن و نابود کردن اهریمن بسیار عظیم است. به‌خاطر تبلیغات تهمت‌آمیز اهریمن است که مردم افکار بد در ذهن‌شان دارند. وقتی مردم آگاه می‌شوند، هنگامی است که آن چیزهای اهریمنی نابود و متلاشی می‌شوند. اگر فرد واقعاً یک بدن کیهانی عظیم را نمایندگی می‌کند، عوض کردن او این معنا را می‌دهد که موجودات ذی‌شعور بی‌شماری نجات پیدا می‌کنند - تأثیر بسیار عظیم است! واقعاً

تمام چیزها بسیار خوب انجام شده‌اند. این امور را ناچیز نشمارید. البته، درخصوص چگونگی انجام امور مشخص، لازم است خودتان آنچه را که مناسب است و آن‌طور که برای مردم قابل قبول شود بسنجید. اگر شکل رسانه قرار است در قالب آن چیزهایی که در جامعه‌ی عادی بشری است باشد، باید برای مردم عادی قابل پذیرش باشد. اگر هیچ چیز دیگری به‌جز مقالاتی که شکنجه و آزار را برملا می‌کند نداشته باشد، در واقع بهترین نتیجه را برای برملا کردن اهریمن و نجات موجودات ذی‌شعور نخواهد داشت. زیرا هرچه باشد مخاطب آن‌ها تزکیه‌کنندگان نیستند. بنابراین باید این برنامه‌ها را برای مردم، گوناگون‌تر و جالب‌تر بسازیم به‌طوری که بخواهند آن‌ها را تماشا کنند. و بعد این‌که آنها را با برنامه‌های دافا به پایان برسانیم. به این شیوه انجام دادن، اثر بیشتری بر مردم عادی خواهد داشت. اگر هیچ نوع مضمون و محتوای مردم عادی را نداشته باشد فایده‌ای نخواهد داشت، زیرا شما تلاش می‌کنید آن را مانند آن‌چه که در جامعه‌ی عادی بشری است فراهم کنید. پس راجع به اینکه چه مقدار از آن‌ها را اضافه کنید، لازم است که قضاوت خودتان را به کار برید؛ مقدار باید مناسب باشد.

سؤال: درود بر استاد از جانب مریدان شهر استاد، چانگ‌چون! چه موقع برای دیدن آن‌ها به آن‌جا برمی‌گردید؟

معلم: الان فکر نمی‌کنم طولانی شود. در چین سلسله پس از سلسله، امپراطور هر سلسله نامیده می‌شد "کسی که برای ده‌هزار سال زندگی می‌کند." ولی هیچ‌کدام از آن‌ها به آن اندازه زندگی نکرد. هر سلسله‌ای می‌خواست که قدرت دولتش را تزلزل ناپذیر سازد، ولی آن‌ها در پایان تزلزل‌ناپذیر نبودند. ما هیچ تمایلی برای برانداختن رژیم در چین نداریم، ما آن نوع از آرمان سیاسی را نداریم. ما بدون هیچ توجیهی در حال آزار و شکنجه شدن هستیم. ما فقط تهمت‌های آن قماش اهریمنی را که ما را شکنجه و آزار می‌دهند برملا می‌کنیم. بسیاری از افراد در دولت چین درواقع علیه این شکنجه و آزار هستند. فقط این‌طور است که تحت این فشار شدید جرأت گفتن چیزی را ندارند. ولی آن‌چه که مردم انجام می‌دهند آینده‌ی آن‌ها را تعیین می‌کند. دافا درحال ارزیابی تمام افراد است. یک‌بار دیگر این را می‌گوییم: جامعه‌ی انسانی برای دافا خلق شد، و در طی تاریخ، هر چیزی که با دافا ارتباط نداشت مسلماً رخ نمی‌داد. این سرده‌ی اهریمن بود که شروع کرد به صحبت درباره‌ی این‌که "حزب کمونیست باید فالون‌گونگ را شکست دهد". چرا حزب کمونیست می‌خواهد فالون‌گونگ را شکست دهد؟ مردم سراسر دنیا آن را عجیب می‌یابند - "حزب کمونیست تمامی ارتش چین، نیروی پلیس و دولت را در کنترل دارد، چرا می‌خواهد گروه مردمی را که غیرمسلح و تحت قوانین آن هستند و فقط کسانی هستند که می‌خواهند افراد خوبی باشند شکست دهد؟ چقدر غیرمنطقی!" در واقع همان‌طور که دافا به‌طور وسیعی در حال انتشار یافتن بود قلب‌های مردم درحال خوب شدن بود، و ثبات اجتماعی درحال بهتر شدن بود. چه کسی از آن سود می‌برد؟ آن کسی که در قدرت است. مگر نه؟ آیا آن کاملاً غیرمنطقی نیست. ما توجهی به قدرت سیاسی نداریم. در واقع قبل از آنکه شکنجه و آزار شروع شود، اعضای خانواده‌ی تمام هفت عضو کمیته‌ی اجرایی حزب کمونیست چین فالون‌گونگ را تمرین می‌کردند، و تمام هفت عضو کمیته، کتاب را خوانده بودند. آن‌ها کاملاً خوب می‌دانستند که فالون‌گونگ چیست. حسادتی که در کشمکش‌های سیاسی گسترش یافت، آن چیزهایی را که به موجب آن افراد به همدیگر حمله می‌کنند پرورانده است، و آن را مجبور کرده است حواسش را از دست بدهد و قادر نباشد هیچ چیزی را تحمل کند. فکرش فوق‌العاده کوچک است، درحالی‌که امیالش فوق‌العاده بزرگ است؛ جرأتش فوق‌العاده کم است، درحالی‌که حسادتش فوق‌العاده زیاد است. هیچ چیز درباره‌ی اداره‌ی کشور نمی‌داند، و توانایی‌اش در انجام کارهای واقعی، از رئیس بخش کوچکی از یک تجارت محلی کمتر است. وقتی که غیرمنطقی می‌شود با یک اهریمن تفاوتی ندارد. علاوه بر این‌ها روح

اصلی او یک وزغ است. پیدا کردن چنین کسی خیلی سخت است! در این نمایش دنیای بشری کجا می‌توانید یک چنین هنرپیشه‌ای بیابید؟ در طول تاریخ، جستجو برای پیدا کردن آن، زمانی طولانی طول کشید! (تسویق) نیروهای کهن نمی‌خواهند او فوراً به جهنم سقوط کند و می‌گویند هرگز دوباره قادر به پیدا کردن چنین شخصی نخواهند بود.

- ۱- این واژه، *یوان*، گاهی اوقات به‌عنوان "روابط تقدیری" ترجمه می‌شود.
- ۲- لغت چینی برای مادر، *ما*، معمولاً وقتی فریاد زده می‌شود که کسی در درد بوده یا ترسیده باشد.
- ۳- توجه فرمایید که ضمیری که این‌جا استفاده شده است، معمولاً به حیوانات یا اشیاء بی‌جان اشاره می‌کند.
- ۴- یک رمان کلاسیک چینی درباره‌ی نبرد برای کنترل چین در میان سه حکومت جنگی. این دوره از ۲۲۰ ب.م تا ۲۸۰ ب.م طول کشید.
- ۵- حس عدالت؛ وفاداری؛ جان‌فشانی؛ درستی؛ جوان‌مردی؛ شرف.
- ۶- *یو فی* یک قهرمان ملی در چین است که گمان می‌رود از ۱۱۲۰ ب.م تا ۱۱۴۱ ب.م می‌زیسته است. وی به‌خاطر شجاعت و وفاداری‌اش معروف است.
- ۷- در قرن ۱۳ میلادی نوشته شده است، کلاسیک سه‌کلمه‌ای، عصاره‌ای از اصول اندیشه‌ی کنفوسیوسی است که به شکلی مناسب برای آموزش کودکان بیان شده است. تا اواخر قرن بیستم به‌عنوان اولین بخش رسمی تعلیم کودک در خانه استفاده می‌شد.
- ۸- توجه فرمایید که این مربوط به تغییراتی است که به‌طور رسمی توسط استاد برای نسخه‌های چینی انجام گرفته است.
- ۹- این به فرمول‌های چهار خطی برای هر تمرین اشاره می‌کند. این همان اصطلاحی است که برای فرمول‌های "اصلاح-فا" استفاده می‌شود.
- ۱۰- کشمکش طبقاتی اصطلاحی است در چین جدید که در آن به لحن حمله‌ی سیاسی ستیزه‌گرانه اشاره می‌کند.